

# خطر ضد انقلاب مغلوب

مبارزه طبقاتی و تکامل تاریخی هرگز سیر ساده و فرمول‌واری را طی نمی‌کند. گرچه نهایتاً می‌توان همه تاریخ مدون را نیز در یک عبارت "مبارزه طبقاتی" خلاصه کرد. ما در سه سال اخیر در جنبش‌ها شاهدین بی‌چیدگی‌ای بوده‌ایم و هر روز که به پیش می‌رویم هر چه واقعیت جنبه‌های گوناگون و حتی متغیر خود را بر ملا می‌کنند و ظاهر ساده‌تر می‌شود. با خود را با جهانی که تنها با درک پیچیده می‌توان در تغییر آن کوشا و موثر بود و پیرومی بینیم اما از این امر کلی که بگذریم با بدو واقع کنونی را از لحاظ تغییر و تحولی که در ظروف سیر و روابط آنها ایجاد می‌شود در نظر می‌گیریم. با به‌عنده‌ترین تغییرات را تصویر کرد و حلقه‌های اصلی را در میان آنها بافت. از این لحاظ ما بلافاصله می‌توانیم بر روند جنبش انگشت بگذاریم.

از زمان گذشته بدینسو جنبش کمونیستی مغلوب خود را تصفیه می‌کند و این تصفیه می‌تواند به‌گونه‌ای که در جهت مستقل کردن طبقه کارگر در جنبش‌ها فرک کم کند. این تصفیه چه بواسطه رشد مبارزات اندکولوژیک و چه بواسطه پراکنش انقلابی همچنان زود به‌کاهش است. تصفیه موجب وحدت و استحکام جنبش کمونیستی می‌گردد. اگر چه نباید در جا رمانده‌لوحی کودکان نسبت به این حقیقت گردید. اما نباید در همین حال به آنچه در عمق می‌گذرد و ما برای العین می‌بینیم که "س. ج. (اکثریت)" را به

بقیه در صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

# رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند. کمونیست‌ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی‌کنند. کمونیست‌ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند. (ولادیمیر ایلیچ لنین)

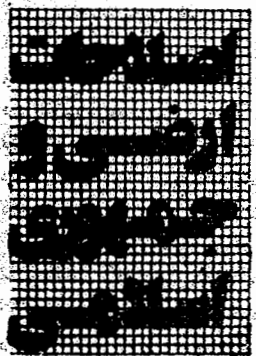
سال اول شماره ۲۴ دوشنبه ۲ مرداد ۵۹ - ماهنامه ۳۰ ریال

## نگاهی به ضمیمه پیکار ۶۲



از نظریه‌کار "جدانیدن سرما به‌داری ازواست" بستگی اساس تحلیل‌های "رزمندگان" است. تحلیل‌هایی که خود ملهم از کرایشات تروئسکیستی رزمندگان است. "بیانیم کمی موضوع رابطه سرما به‌داری و وابستگی را بشکافیم."

بحران عمیق امپریالیسم در اوایل دهه ۵۰ که در کاهش نرخ سود، و گسسته شدن سرمایه جهانی و رکود اقتصادی خود را نشان می‌داد. جهان گریبا امپریالیسم را فشرده بود. که راه‌های از جنگ‌سال بقیه در صفحه ۳



قسمت  
آخر

در قسمت قبل طرح اطلاعات ارضی را مورد بررسی قرار دادیم و نحوه برخورد طرح را به مسئله مالکیت زمینداران بزرگ و ارجحیت ارضی مورد اکتداری را نشان دادیم. بر اساس آن بررسی کاملاً روشن می‌گشت که واگذاری ارضی به دهقانان عمدتاً از ناحیه ارضی موات و بیابان‌ها صورت خواهد گرفت.

دولت هرگونه دخالت توده‌ها را در زمینهای بزرگ مکانیزه صنعتی دانسته و اصولاً این ارضی از مواز واگذاری دهقانان مستثنی هستند. بخش اعظم زمینهای ۵۰ هکتار به بالا به استریش واگذاری "نجات" پیدا خواهد کرد. هم چنین در بررسی گذشته ما دیده کردیم که مالکیت مالکین بزرگ "مستروغ" (۱) با حدود مالکیت خرده مالکین محترم مانده و بقیه نیز البته محترم مانده با خرید می‌شود. بقیه در صفحه ۶

### در پیک رزمندگان می‌خوانید:

**در مجلس چه می‌گذرد؟**  
**از اخراج کارگران مبارز جلوگیری کنیم!**  
به مناسبت سالگرد حماسه مقاومت تل زعتر:  
**تل زعتر: دژ پایداری و مقاومت خلق فلسطین**  
**نگاهی به مبارزه کارگران دلاور کارخانه البرز:**  
**چگونه فولاد آبدیده می‌شود؟**

**اخبار روستایی**  
**اخبار کارگری**  
**اخبار کوهنا**  
**اخبار کردستان قهرمان**

### گزارشی از یک روستا

ده کیلومدر کنار ده کویر، در جنوب استان خراسان واقع شده است. از روستاهای اطراف شهرستان بیرجند محسوب می‌شود. مساحت آن ۱۵۰۰ کیلومتر مربع است. دارد. این ده تا قبل از اطلاعات ارضی شاه متعلق به خاندان علم بوده و بعد از این اطلاعات تنها ما از آن یکی از این غلامان و جوانان را نام بردیم. خزینه علم می‌گردد. وی با نزدیک‌ترین ده "دریا" فاصله بسیار کمی دارد. این ده در نزدیکی ما و مکانیزه قلمداد کرده و از تقسیم آن خود باخبری می‌کند.

اهالی ده در آستانه اطلاعات ارضی رزمندگان باطل می‌شود. تعدادی خرده مالک و زمینداران بقیه در صفحه ۱۰

# کارگران جهان متحد شوید!

# سرمقاله

مومگیری علنی بر علیه خط مشی پرولتری کشانیده، کم اهمیت داد بویژه آنکه جنبش کارگری و جنبش انقلابی نیروهای این تفسیه و مبارزه ملی رغم تشبیه و فرافزای گوناگون همچنان به پیش میبرد.

رابندت مورد ضربات خود فرار داده است. مجلس با اکثریت محکمی از نمایندگان حزب جمهوری اسلامی و کسانی که حول روحانیت حاکم متمرکز شده اند، به نیروی در برابر

دفاع از جنبش انقلابی و توسعه آن در برابر کل هیات حاکمه و طبقه ای است که ماکونیستها بر عهده داریم. در حال حاضر اگر چه عمده است موازنه سیاسی را در نظر بگیریم، و انواع تحولات به جنبش انقلابی و سرکوب توده ها از یکسو و توطئه چینی ها و پیرا بهای ضد انقلاب معلوب و بورژوازی حاکم را از سوی دیگر مورد توجه قرار دهیم ما موظفیم در برابر کل حکومت امر انقلاب را به پیش بریم. و به افشای همه خائنه هیات حاکمه، خدا نفلات مخلوق و توطئه هایش بپردازیم.

البته این امر چیزی جز رشد کمونیستها در عین تزلزلات اپورتسو-جتها و بازنگاری دمکراتهای انقلابی نیست. و تنها میسوان حاصل آن را در توسعه بعدی این حرکت و وحدت حقیقی همه جانیست که کمونیستها حول برنامهم مبارزاتی و تحلیل منظم از اوضاع ایران دیده اند. اگر به روند سیاسی فوق برونند، اروپا بی توهم، رشد اعتراضات توده ها را بیفزاییم و به نقش فعال کمونیستها در این روند دقت کنیم. آنکه دیگر جای تردیدی باقی نمی ماند که مبارزه مارزان با فتنه، آگاهانه و برنامه ریزی شده همگی ما در یک وحدت اصولی و دقیق نمیتواند این روند را هر چه بیشتر بسوزاند. انقلاب به سود جنبش مستقل طبقه کارگر و آرزو ما نهایی تاریخی پرولتاریا تغییر دهد. این یک دیگر گویی در موازنه سیاسی اوضاع است و ناشیری پر اهمیت بر تحولات آتیست. خوا همدگذاشت.

اگر همه عوامل سیاسی دیگر ثابت باقی مانده بودند رشد کمونیستها تنها تغییر پیرا همیشه محسوب میشد چون چنین نیست. تا گزیر با بدیده چگونه عواملی در موازنه کلی نیروها تغییر کرده اند و کیفیت این تغییر را دریاقت بورژوازی حاکم و خود بورژوازی برده سنتی در طی این مدت یعنی حقیقا پس از انتخاب نمایندگان مجلس و برآه افتادن جمهوری اسلامی از لحاظ انطباق با قانون اساسی، دچار درگیری حادی شده اند. این درگیری که شاید بتواند انقلاب فرهنگی را آغاز آن به شکل جدیدنا کند، بورژوازی حاکم

بنی مدروبولتی که از خیال دارد تشکیل دهد، تبدیل شده است. در طی ۲ ماه اخیر روزی نبوده است که این دو جناح حکومت، با هم درگیری نداشته باشند. و روزی نبوده است که بورژوازی حاکم ضربه ای نخورده باشد. اگر چه تلاش کرده است این ضربات را خنثی کند و با همه حریف خود بگرداند. جدال بر سر آیت سرانجام در محدوده حکومت بسود آیت تمام میشود. وظلی رغم همه افشاگریهای بورژوازی، آونه تنها در مجلس می ماند بلیکده در مجلس با اکثریت قوی وضعیت خود را محکم میکند.

دعوا بر سر انتخاب نخست وزیر یعنی یکی از آن عناصری که هیات حاکمه نتوانسته آرایش عنوان گرگانه حل کند همچنان ادامه دارد. از آنجا که نمیتوان دو نخست وزیر انتخاب نمود، و همچنین دوران صفای و مصیبت و اطمینان متقابل در حکومت نیز از میان رفته است این جدال همچنان ادامه خواهد داشت مگر سردی با دو روح پیدا شود. بویژه عواقب جریان کودتای اخیر که ما در چند شماره قبل آنرا بررسی کردیم، مسایل مربوط به تفسیه اداری و از این قبیل شیز در دهه، همان ضربات فرار میگیرند.

بورژوازی حاکم شدت تحت فشار قرار گرفته است. عناصری از آن وحشی بخشهایی از آن مرتبا به اپوزیسیون ضد انقلابی بورژوازی رانده میشوند. بدنیها، قشایی ها، حزب ایرانها، جبهه ملی ها و... این نیروها مستقیما به ضد انقلاب مخلوب ملحق

میشوند. و به امکانات آنجا را راجح از حکومت می افزایند. در این میان بنی مدروبولتی خاصی را انتخاب کرده است. او بعنوان مدافع بورژوازی در خارج کمیت و مدافع سیستم موجود، پس از یک دوره تلاش برای قیام کردن قدرت از او اعراضا ۵۸ و فوروردین ۵۹ با موضع گیری متقابل خنثی بورژوازی حاکم درگیر شد. رجفات بنی مدروبولتی باز کردن راهی جهت استقرار نظم بورژوازی مطلوب بورژوازی کلی به پشت او گذاشت. و او که آنگاه به تلاش کرده است بین بنسوزو او لیبزالیها و خرده بورژوازی حاکم بندباری سیاسی کند تا قدرت خود را راتحکیم نماید. عملا در فرجه بنی مدروبولتی حاکم پشتبانی خود را در لیبزالیها جسته است. با توجه به موقعیت او به عنوان کسیکه با بد بورژوازی را بطور کلی نجات بخشد، و همینطور بر ای استکارتا کتون پارک شده خرده بورژوازی می نهاد، اکتسیون می بینیم که ضعف عمومی بورژوازی حاکم و رانده شدن آن بسختی اپوزیسیون، بوی رابه اشکاف موضعی بیچنده کشانیده است.

خرده بورژوازی وضع خود را در حاکمیت مستحکم میسازد و از سوی دیگر با فروپاشی توهم توده ها بسخت به خود موقعیت توده ای ضعیف میشود. در حالیکه هر چه حملات به سنی مدرا افزایش می یابد، آونه جای اینکه تن به رفتن در درون اپوزیسیون خارج از حکومت بدهد، انرژی خود را صرف سخنرانی ها، فر متعدد به عنوان رئیس جمهور ۱۱ میلیونی، در تهران، مشهد، نیکتپور، خرم آباد و... میکند. او در سخنرانی های خود عملا در برابر جناح خرده بورژوازی حاکم موضع میگیرد و آیت الله خمینی را بطور غیر مستقیم

مستقیم بر اشتقاد میبرد. او وسود را نمایانده زمین می مردم میدانند و از نما بنده آسانی آنها میخواهد که با وی در همه مسایل بسازد. بنا بر این بخشی از بورژوازی که مرتبا به اپوزیسیون ضد انقلابی

مطلوب رانده میشود مشغول دسیسه ها و توطئه چینی ها در گوشه و کنار مملکت میگردد. در حالیکه بخش دیگری از بورژوازی که در حاکمیت است، ضعف خود را با ایجاد پشتوانه توده ای جبران میکند. در مجموع با وجود همه مستعد بورژوازی در حاکمیت، طبقه بورژوازی ایران چه در بیرون حکومت و چه در درون حکومت خسود را جمع و جور میکند. طبقه ای است که امیربا لیم ۲ آمریکا اقداما خسود را با توجه به موقعیت بورژوازی در ایران تنظیم میکند. در حال حاضر بحران شدید اقتصادی سیاسی بسیر آمریکا حاکم است. "جنگ طلبان" که "حکومت جهانی" خود یعنی منافع سرمایه مالی را در سطح جهانی در خطر می بینند. اتحاداتا کتیک جدیدی را پیش کشیده اند.

امیربا لیبزالیها عملا می بینند که جنبش انقلابی در ایران رویه توسعه است و توده های مردم روربه روز بیشتر در جهت اتحاد امکا منحل منافع امیربا لیم در ایران به پیش میروند. آنها که به طرز شدیدی در درون جامعه خود با رشد بحران با ز تولید و برپوشده اند، از ترس آنکه کمونیست ها و دمکرات های انقلابی در ایران با زهم رشد کنند و به قدرت جنگ بتا نازند، خوا بهای هولناکی مبتنی بر روز بروز و ریبستر به سمت قطع امید از حکومت ایران در جهت اعاده شرایط مطلوب آن میروند. تضادهای درون حکومت و موقعیت ضعیف بورژوازی حاکم در آن اسنا آسیدی را بسختی میکند. طبقه ای است که این تغییر در موازنه سیاسی نیروها و تحت فشار قرار گرفتن بورژوازی حاکم و رانده شدن بعضی عناصر مستعد آن مثل قشایی مدنی و... به موضع ضد انقلاب مخلوب بطور

هم اکنون ما با ردیگر نیروهای کمونیست و انقلابیون دمکرات راه وحدت و اتحاد عمل فرامیخواهیم. و این اتحاد عمل را در حالتی که احتمال تحقق وحدت ضعیف است و بویژه در شرایطی که به احتمال قوی در برابر ماست، یعنی تعرض به انقلابیون از طرف حکومت و امتفانات توطئه چینی های ضد انقلاب مخلوب از طرف دیگر، امر ضروری و جدی است. انقلاب تلقی میکنیم.

آشکارا، زمینه های جدیدی در افتاد امات متحدانه امیربا لیم وسود انقلاب مخلوب در جهت ایجاد شرایط مطلوب خود میباید. در این زمینه امکان انبوع توطئه ها و جزئیات ضد انقلابی از بنیه در صفحه ۹۰

نقشه از صفحه ۱

### نگاهی به ...

آن مستلزم تغییراتی در نحوه عملکرد امپریا نیست. مهم بود. گردش سرما به جهانی دیگر در اشکال قدیمی فعلی است. سرما به های امپریا لیستی و به سه کتی آنها از کشورهای تحت سلطه نمیتوانست چاره و درمانی برای رکود خود بدست آورد. و بنا کرد بر مینا بست عرصه ها و اشکال جدید حرکت در آوردن سرما به را جستجو کرد. امپریا لیستی برای تا مین این نیاز اساسی خویش در مدد گرفتن عرصه های فعلی است. اقتصاد جدید در کشورهای تحت سلطه برآمدند. و اینکه محیط های بسته و چارچوبهای تنگ اقتصاد فئودالی و نیمه فئودالی را بر روی دنیای سرما به بگشاید. برای اینک ساراژام میاید که اقتصاد این کشورها هر چه بیشتر سیستم جهانی سرما به داری استکراه شود. و فعالیت سرما به داران در آنها به سبب بدین معنا که مناسبات ماقبل سرما به داری جای خود را به مناسبات سرما به داران و تولید معیشتی با کالای سادگی خود را به تولید سرما به داران بدهند. زیرا که نیروی کار معدود شهرهای این کشورها و قدرت خرید ضعیف اقتصاد نیمه فئودالی نمی توانست جوابگوی نیازهای فزاینده سرما به امپریا لیستی در زمینه ایجاد بازارهای جدید و عرصه های جدید فعالیت سرما به باشد.

بدین خاطر امپریا لیسم در مدد فراهم کردن زمینه مناسب برای صدور و بیع سرما به مالیسی به این کشورها برآمد. و از طریق ایجاد در قسوم و انقلاب در بازار عرصه را برای اشغال هر چه و سرمایه با معیشتی زو سنا به معیشتی و اوقات و ... اما در نهایت ...

اما با بد توجه داشت که این امر یعنی دنیا - تک سیستم جهانی سرما به داری در جهت تسلط و توسعه خویش منظورهای اشکال بحران و تورم سرما به و حرکت سمت رفیم. و حاکم نمیشود سرما به داری در کشورهای تحت سلطه تنها یکسو قضا است. و هر چند که نقش بسیار مهمی داشته باشد. اما زیگما نب قضا است. چنانچه دیگر فضی نیست که در یک رشته از کشورهای تحت سلطه بحران ما به نیمه فئودالی و خطرات فجا ردهقانان و کلا تولیدات فضا تا جا مع نیمه فئودالی چنان برای امپریا لیسم جدی و تهدید کننده شده بود. گسه بناچار تغییراتی را در جهت اصلاح وضع موجود میطلبید. در این کشورها رده مناسبات کالایی در شهرها و نفوذ آنها در روستاها چنان توسعه یافته بود. که موجب تشدید بهره کتی فئودالی از دهقانان و نیز تشدید انقیاد دمووری نیروی کار دهقانان بکمک سرما به گشته بود. دیوارهای مناسبات فئودالی کاملاً تسلط و پیوسته شده بودند. و در مقابل با وجود آنکه مناسبات کالایی و سرما به بی سلط یافته بود. اما با خاطر محدودیت انباشت سرما به و فقدان منابع پولی سرما به بسیاری انباشت و کلا ضعف بورژوازی سرما به داری داخلی نمیتوانست بر سرعت و پیشانی خود را حاکم کند. و دورنمای انقلاب بخوبی در دیدرس بود. بنا بر این حاکمیت اشکال جدید بهره کشی

امپریا لیستی و با عبارت دیگر اشکال جدیدی وابستگی که مبتنی بر صدور سرما به های مالیسی امپریا لیستی و تسلط مناسبات سرما به داران سه در کشورهای تحت سلطه بود. محصول دویوش دیطن سیستم جهانی سرما به داری بود. یکی محرک سرما به های امپریا لیستی برای رهایی از جنگل سودنازل و رکود سرما به جهانی. و دیگری محرک کشورهای عقب مانده و تحت سلطه سیستم جهانی سرما به داری در زمینه نیار به حل ضد انقلابی تنشات شکننده و حاد درون آن کشورها بود. لنین از زاویه بی دیگر تا حدودی به این موضوع اشاره نموده است: "آنچه امکان صدور سرما به را فراهم میسازد، اینست که یک سلسله از کشورهای عقب مانده اکنون دیگر به دایره سرما به داری جهان داخل شده اند. خطوط عمده راه آهن در آنها احداث گردیده و با شروع به احداث شده موجبات اولیه برای نگامل صنعت فراهم گردیده است. و غیره و غیره آنچه ضرورت صدور سرما به را بوجود می آورد اینست که سرما به داری در معدودی از کشورها پیش از حد نفع یافته و عرصه بکار انداختن سرما به "سودآور" (در شرایط عقب ماندگی کثا و - رزی و فقر تو ده ها) تنگ شده است.

منتخبات آثار ص ۴۱۷

آنچه از این رابطه برای ما مورد توجه میباشد آنست که تحکیم شکل جدید وابستگی را با سندان این لحاظ مورد توجه قرار داد. که حاکمیت شکل جدید وابستگی لزوماً موقوف به حاکمیت و توسعه تولید سرما به داری و غلبه و استحکام سیستم سرما به داری در این کشورها میباشد. شکل جدید

غالبت بر کشور شود. و بدین خاطر است که ما میگوئیم که توسعه سرما به داری وابسته و حاکمیت آن در ایران. در داخل و ما هیتا همان توسعه سرما به داری است. و در واقع روند فائق و توسعه سرما به داری شرط اساسی و اولی شکل گیری و غلبه سرما به داری وابسته میباشد. به این معنی که حتی سرما به های امپریا لیستی نیز در ایران به تسلط مناسبات سرما به داری کمک نمیکرد. و به عنوان سرما به در این سیستم عمل مینموده است. لنین در این مورد میگوید: صدور سرما به به کشورهای دیگر در کمال سرما به داری آنها تا شریع بشده و بی سرعت این شکل می افزاید. منتخبات آثار فارسی ص ۴۱۵

در همین حال ادا معیشت هر یک از دو وجه به هم پیوسته و جدایی ناپذیر نظام سرما به داری وابسته یعنی سرما به داری و وابستگی به صورت خلقت غالب بر جا مع درگز و غلبه آن دیگری است. و وابستگی بدون حاکمیت سرما به داری و سرما به داری بدون حاکمیت و وابستگی نمیتوانند. مثلاً به باشند. اینکه هیچ یک از این دو وجه بدون آن دیگری نمیتوانند بر جا مع ایران حاکم باشند. و از نظر زمانی نیز غلبه آنها بر جا مع موقوف به غلبه آن دیگری بود. و بطور همزمان و در رابطه با هم بر جا مع ایران مستولی شدند. آیا بدین معناست که آن دو از لحاظ منطقی و فائق و منطقی نیز مقام و نقش یکسانی دارند؟ آیا این دو وجه جا مع ایران که از طرفی سرما به داری در آن حاکم است و از طرف دیگر وابسته به امپریا لیسم است

حال ما از اینجا رسد سوال میکنیم: آیا بنظر شما تفاوت اساسی جا مع ما کار و سرما به است یا خلق و امپریا لیسم؟ آیا بنظر شما سرما به وابسته یا کار را رابطه سرما به داری یعنی کسب ارزش اضافی از طریق کار اضافی را برقرار میکند یا از طریق غیر سرما به داران به عمارت مشمول است؟ یعنی آیا سرما به وابسته. سرما به است و یا چیز دیگری؟ آیا بنظر شما تفاوت از لحاظ تاریخی جا مع ما سرما به داری است. فئودالی است یا در مرحله استقلال از فئودالیسم به سرما به داری و یا هر چیز دیگری است؟ آیا میتوان گفت جا مع ما دو ماهیت دارد یکی وابستگی یکی سرما به داری؟!

هر دو یک حدیثت اساسی و اصلی را در محاسن سیستم سرما به داری وابسته دارند؟ به کار چینه جوابی دارد؟ لازم به توضیح است که مسئله وابستگی یکی از موضوعاتی است که از چند سال پیش بدین سو مورد توجه دانشمندان بورژوازی شریع قرار گرفته است. و آنها هم از موضع کوشش در جهت رفع عوارض نا مطلوب و خطرناک وابسته بودن کشورهای تحت سلطه هزاران مفعرا سبب کرده اند. و همچنان به اظهار نظر در این مورد میپردازند. از نظر آنها وابستگی یعنی تابعیت یعنی از کشورهای ضمیمه به کشورهای بزرگتر. و اینکه در نتیجه وابستگی ما از این کشورها بسوی کشورهای بزرگتر منتقل میشود. و بر اثر آن است که امکان انباشت وسیع سرما به در این کشورها فراهم نیست.

وابستگی کشورهای تحت سلطه نظیر ایران، کره، برزیل و ... بر من حاکم نمودن مناسبات سرما به داران و کناره زدن اشکال نیمه فئودالی در مجموع سیستم اقتصادی - اجتماعی این کشورها توانست بر جا مع مسلط شود. حاکمیت خلقت و وابستگی نظام اجتماعی - اقتصادی ایران و کشورهای مشابه همزمان بود با حاکمیت نظام سرما به داری در این کشورها. و انکسسی، حرکت جا مع ایران سمت انگراسیون کاملاً اقتصادی با نظام سرما به داری جهانی و وابستگی پیچیده اقتصادی به امپریا لیسم لزوماً بر اساس توسعه همه جا نیمه مناسبات سرما به داران و تسلط با زار سرما به در ایران صورت میگرفته. و چنانچه وابستگی به امپریا لیسم هرگز بر منای مناسبات غیر سرما به داران و بدون حاکمیت بلا منازع قانون ارزش در همه سطوح نمیتوانست خلقت

این نگرش وابستگی را نه از زاویه وجه تولید بلکه از لحاظ رابطه کشورها با یکدیگر و بصورت کلی و عمومی و حتی عوری مورد توجه قرار میدهد. این نگرش وابستگی را از زاویه نوعی ارتباط در بخش مناسبات تولیدی سیستم جهانی سرما به داری که لزوماً عملکرد قانون ارزش سرما به جهانی را بر اقتصاد کشورهای تحت سلطه کاملاً حاکم

اعتباری و... برقرار میشود. این سرما به است که وابسته میباشد. و نشان این مسئله تبدیل به مسئله اصلی و اساسی کشورهای تحت سلطه میسر از و بر این مناسبات که وقت از آنان سوال میشود ما هیت چنین جوامعی را چه چیزی توضیح میدهد؟ میگویند بنیاد خلق و امپریالیسم، و محور این نهاد دو بیان اثرانسته در مناسبات طبقاتی و مبارزه طبقاتی و وجه تولید و مناسبات تولیدی که با وابستگی توضیح میدهند از نظرها مسئله اساسی اصلی در توضیح

بقی غیر سرما به داری تا به لغات مشغول است؟ اینها سرما به وابسته، سرما به است و با چه دیگری؟ آنها بنظر شما از لحاظ تاریخی جامعه ما سرما به داری است، فئودالی است یا در مرحله انتقال از فئودالیسم به سرما به داری و با هر چه دیگری است؟ آیا میتوان گفت جامعه ما دوماً هیت دارد یکی وابستگی یکی سرما به داری؟

نگرش بورژوازی با داشته بدرستی به این واقعیت توجه میکنند که حاکمیت سرما به داری نسبت به یک نظام اجتماعی - اقتصادی در کشورهای سرما به داری وابسته در رابطه با نیا را میربالیسم کمترش و رفع مشکلات خود بوده است. وابسته در رابطه و در مسیر و عمق بخشیدن به وابستگی بوده که سرما به داری در کشورهای مزبور حاکم گردیده است. اما این نگرش بورژوازی توجه به این واقعیت مهم است که نگرش بورژوازی در جهت بط و وابستگی کشورهای مزبور به امر با لیسیم صورت و ظاهر مسئله نگاه مل سرما به داری در نقاط مختلف جهان و گسترش سیستم جهانی سرما به داری است. وابسته شدن هر چه بیشتر کشورهای تحت سلطه بصورت سرما به داری وابسته در واقع همان انطباق و همسو شدن هر چه بیشتر این کشورها با سیستم جهانی سرما به داری و حاکم شدن هر چه بیشتر فئودالیسم و روندهای سرما به داری در این کشورها میباشد یعنی همان سرما به داری شدن این کشورهاست.

در حقیقت نگرش مزبور به جنبه میزبانی و علی حاکم شدن سرما به داری وابسته و بر رسته بودن مسئله وابستگی از این لحاظ توجه میکند. اما جنبه ما هوری قضیه که همان سلطه و توسعه سرما به داری در سرما به داری شدن جوامع عقب مانده است، نحوه میماید. بدین معنای که عوامل و علل ایجاد سیستم سرما به داری وابسته نحوه دارد هر چند که از این لحاظ تئوریکاً قضیه را می بیند و نفس عوامل داخلی را از نظری اندازه اما به ما هیت و نفس قضیه یعنی حاکمیت سرما به داری می توجه است. نگرش مورد نظر بدین ترتیب تا بگردد فنا فیزیکی تا حدودی همزمان میگردد. و عوامل خارجی ایجاد دهنده ها را اساساً بر رشتی و حتمی فعل خود قرار میدهد. و جانب دیگر مسئله را که نسبت به هیت بدیده ها که همان نهاد اساسی آنها باشد، با در درجه بعدی توجه قرار میدهد و با اینکه تا بدیده بگیرد. این نگرش منافذی که آرزو بر ساز سخت برانده شده و مواقع سازمان مجاهدین خلق تا به انداخته بود، واقعات جامعه ما را به بر من مناسبات طبقاتی و قوانین حاکم بر مناسبات جامعه ایران، بلکه بر اساس منافع این امپریالیسم با آن امپریالیسم و عملکردها و نهادهای آنها ارزیابی میشود. اما آن جریا - ناسات سیاسی جامعه را از زاویه تسلط امپریالیسم بر ایران و منافع آن و عملی بر رسی میگردند.

اینکه رزمندگان نهاد اساسی را حاکم و سرما به داری و نهاد دعه را نهاد خلق با نظام سرما به داری وابسته میداند، مرز قاطع و روشن رزمندگان با پوپولیستها و تروتسکیستها در جنبه مناسبات ما در مقابل این موضع قاطع و انقلابی پوپولیستها ما را به تروتسکیسم و نه تروتسکیستله ما را به پوپولیسم منتسب میسازند. حال ما از بیکار سوال میکنیم: آیا بنظر شما رفقاً نهاد اساسی جامعه ما کار سرما به داری است یا خلق و امپریالیسم؟ آیا بنظر شما سرما به داری است یا کار رابطه سرما به داری یعنی کسب ارزش - خانی از طریق کار واقعی را برقرار میکند یا از طریق

آیا این دو وجه جامعه ایران که از طرفی سرما به داری در آن حاکم است. و از طرف دیگر وابسته به امپریالیسم است هر دو سبک جدیدت اساسی اصلی را در مجموع سیستم سرما به داری وابسته دارند؟ بیکار چه جوابی دارد؟

نیساخت، ملاحظه نمیکرد. این نگرش توجه نمی داشت که ارتباط مزبور در واقع منبثی و منبثی سر جوهر سرما به داری که حرکت در جهت کسب ارزش اضافی است، میباشد. و در اصل همان سلطه و توسعه سرما به داری و پیوندها و اتصالات لازم برای این توسعه میباشد.

طبیعی است که نگرش مزبور با نگاه مسادی و وابستگی و زمینه جهانی آنرا که سیستم اقتصادی با کل مناسبات تولید "تبا" شد، در نظر نمیگردد. بهین خاطر طرفی را رابطه موری کشورهای تحت سلطه و امپریالیسم را میخورد، و از درک این مسئله که وابستگی جز طبیعی سرما به داری در کشورهای تحت سلطه است، عاجز میشود. و با زمیرا سیستم توهم میگردد، که پیوسته به مناسبات بین امپریالیسم با لیسیم با مجموعه کشورهای تحت سلطه بیندیشد. و در نتیجه راه به ملاحظاتی وابستگی که همان سرما به داری است بندد.

این نگرش بناچار برای حل مشکل وابستگی و خلاص نمودن کشورهای تحت سلطه، راه عمل خود را منوجه آن ملاحظاتی وابستگی که سیستم اقتصادی سرما به داری باشد، نمیکند، و بر من من موجودیت آن در عدد بر طرف کردن وابستگی برسی آید. و طبیعی است که چنین راه حلیمایی که امروزه از جانب بسیاری از دانشمندان بورژوا و خرده بوزر و راه فرجه میشود، در عمل در خدمت اصلاح سیستم اقتصادی سرما به داری کشورهای تحت سلطه و ایجاد اشکال معقول تر وابستگی در خواهد آمد.

اساس این نگرش و نتایج انحرافی آن ناشی از این است که اولاً وابستگی را بعنوان جزئی طبیعی و اجتناب ناپذیر سرما به داری در کشورهای تحت سلطه و در من وجه تولید سرما به داری نمی نگرد. با اگر زبیا دنیا مارکسیسم دم خور باشد، با وجود ملاحظه و وابستگی بر من وجه تولید سرما به داری، از درک جا بجا و محمل اصلی وابستگی عاجز بوده، و در نتیجه نمیتواند در با بد که محمل اصلی وابستگی همان ارتباط سرما به داری در کشورهای تحت سلطه با سرما به داری امپریالیسم میباشد. گفته این ارتباط از طریق مناسبات کالایی، منمنی،

# مرگ بر امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی!



وازی پرستی آنها در رابطه با اساسی ترین و مهمترین بین حطت جامعه ایران که سرما به داری بسودن آمنت، عاجز بودند. این نگرش در مورد سازمان مجاهدین خلق بی ارتباط با جوهر متافیزیکی ایدئولوژی و باورهای مذهبی آنها نبود. و ما هنوز آزادرتیبین و تفسیر اوضاع و مبارزه طبقاتی می بینیم.

در مقابل این نگرش بورژوازی که مسئله اصلی و اساسی را عامل و علت ایجاد دیده هیا - آنها عمدتاً علت بیرونی - میدانند، و بر این اساس رابطه بی بیرونی را که تا اندرون پدیده راه یافته - یعنی وابستگی که در درون پدیده وجود دارد - تبدیل به مسئله اصلی و اساسی میسازد. نگرش بورژوازی دیگری نیز میتوانم موجود با ندوختی وجود دارد که هر دو جنبه قسبه را یعنی علت ایجاد دیده و ما هیئت آن پدیده را بیکسان اصلی و اساسی تلقی میکند. این نگرش از نظر ما جنبه انتقادی دارد. ما نگرش بیکار را در برخورد دبه سرما به داری وابسته بصورت بالا التفاتی ارزیابی میکنیم. این مسئله از بزرگانگی است بیکار در مقابل "فرعی و تبعی" تلقی کردن وابستگی نسبت به سرما به داری بر اجنبی و بی موضوع استنباط میشود. زیرا که مخالفت بیکار با "فرعی و تبعی" تلقی کردن وابستگی معنایی جز آن ندارد که بیکار وابستگی را اصلی و اساسی بحساب می آورد. برفقی بیکار ممکن است بگوید که سرما به داری و وابستگی هر دو یک چیزند!! و از این لحاظ هر دو اصلی و اساسی اند!!

اما روند سرما به داری بطور کلی، باروند وابستگی، هر چند در واقعیت سرما به داری وابسته با بیکار عین شده و وجود واحدی را پدید آورده باشد، باز اهرم متعاقب و متساوی براند. عملاً از این موضوع در میگذریم و بر خود میبینیم با آرا موکول به هنگامی می کنیم که بیکار نظرات خود را در این مورد کاملاً عرضه کرده باشد.

با این وجود، جان کلام رزمندگان در عبارات مورد استفاده بیکار، مقایسه سرما به داری و وابستگی و اینکه کدام یک عمده اند، تمییز نند و بیکاری جهت گمان میکند که رزمندگان و وابستگی را با صرف سرما به داری مقایسه کرده است. میگویند: "ارجوع میکنیم به همان طور که بیکار از ما نقل کرده است. رزمندگان پس از تعریف "کل مناسبات تولید" از نظر ما رکن، چنین می نویسد: "اگر کل مناسبات تولید تشکیل نیافت اقتصاد را میدهد، نمیتوان به یک جنبه فرعی و تبعی که خود ناشی از این مناسبات و در دل این مناسبات است، پرداخت و به این سیستم مناسبات خدشه بی وارد نمود."

چه میشود کرد؟ بیکار بدون تعمق بی سر روی مفهوم "کل مناسبات تولید" و "ساخت اقتصادی" که همان زیربنای جامعه ما است میباید در که رزمندگان و وابستگی را نسبت به سرما به داری "تبعی و فرعی" بحساب می آورد. اینکه بیکار از آن نوشته ما که در بالا نقل کردیم، و مورد استناد بیکار - "مفهوم ما از دو کلمه "تبعی و فرعی" که آنها را به ما معی مراد قرار داده بودیم، همان نقطه مقابل "اصلی" میباشد.

نیز قرار گرفته، چنین استنباط میکند که رزمندگان و وابستگی را با سرما به داری مقایسه کرده اند - البته مقایسه این دو جنبه بجای خود ضروریست - این تردید را در ما زنده میکند که شاید بیکار و وابستگی را در دل "کل مناسبات تولید" بحساب نمی آورد و آنرا پدیده و رابطه بی سیاسی ارزیابی میکند!!

"کل مناسبات تولید" ایران شامل مجموعه مناسبات بین انسانها در جریان تولید اجتماعی است. مناسبات بین سرما به تجاری و بانکی با سرمایه معنی، مناسبات بین موسسات تولیدی و وسایل تولید و موسسات تولیدی و وسایل مصرفی، مناسبات بین سرما به انحصاری و سرما به کوچک، مناسبات بین خودکارگران در جریان تولید و کارگران با سرما به داران، و نیز مناسبات بین سرما به وابسته ایران با سرما به های امیر - با لیسنی و موسسات تبعی و بانکی متروپول ... همه و همه در زمره "کل مناسبات تولید" ایران که همان زیربنای جامعه ایران با معیار رتبی سیستم اقتصادی ایران باشد، میکنند. بهمین خاطر وابستگی اقتصادی نیز که در قالب روابط اقتصادی مادیت دارد، جز "کل مناسبات تولید" ایران بشمار میرود. جالب است که بیکار نیز این امر را تأیید نموده، چنانکه میگوید: "... مقوله" وابستگی در جامعه تحت سلطه و وابسته با شیوه تولید سلط سرما به داری (و از آن جمله ما مع ما)

جز ارگانیک و لاینفک مناسبات تولید سرما به داری حاکم بر کشور است. "مفهوم بیکار ۶۲. اما بنظر ما این اظهار نظر از قلم بیکار است. انستت تراوش کرده است و بیکار رهیگام از این نظیر نمیدانسته است که سستی برداشته، که از سبب سستی بر روی پای الکتوس معوط خواهد کرد! بیکار را باید بدسال اظهار رایت که وابستگی جز ارگانیک و لاینفک مناسبات تولید سرما به داری وابسته ایران است بدینرا تود که این جز، نسبت به کل مناسبات تولید" ایران هر چند ارگانیک و اجباری و حدایی نایدیر باشد "جنبه فرعی و تبعی" دارد. یا اینکه بگوید که به این جز، همان بقدر اصلی و اساسی است که "کل مناسبات تولید" بیکار چه بیکار بطور ضمنی این مطلب را ابراز داشته است که جز "مربور اصلی و اساسی است و در نتیجه جز" و کل و مرز آنها را مخدوش کرده است، اما بیکار نسبت به مبادی فلسفی مارکسیسم و آموزش مایکتیک ۱ شاست و بنا بدجیب ما ده و طعمی اظهار نظر بنمایند!

تمام مدعای رزمندگان که از دیرباز رسالت طرح و پیش بردن آنرا در جنبش داشته، عبارت از همین امر بوده که برای از بین بردن وابستگی بنا جا را بد "کل مناسبات تولید" سرما به داری را که بکمک دستگاه سیاسی و روستای اجتماعی تشکیل نظام سرما به داری وابسته را میدهد، نابود ساخت، و اینکه بدون نابودی نظام سرما به داری وابسته امکان نابود یا خنثی وابستگی و نیل به استقلال اقتصادی میسر نیست.

تعجب ما در اینجا است که چگونه بیکار که او نیز بر نابودی سیستم سرما به داری وابسته تأکید دارد، از سخنان ما رنجیده خاطر گشته و این امر

تبعی را که وابستگی جزئی از سیستم سرما به داری وابسته - آنها جزئی ارگانیک بشمار می رود - و از اینرو وابستگی نسبت به "کل مناسبات تولید" یا سیستم اقتصادی سرما به داری وابسته جنبه تبعی و فرعی دارد، و در دل آن قرار دارد. حمل بر چنین و چنان میکند، بواز "تبعی و فرعی" تلقی نمودن وابستگی در مقایسه با آن سیستم برآشفته گردیده است. بخصوص که خود نیز میباید که وابستگی جزئی ارگانیک از مناسبات تولید سرما به داری است.

تنها عیای رزمندگان در ابراز نظرات بسیار شده و مورد استناد بیکار را اظهار است که وابستگی را ناشی از "کل مناسبات تولید" دانسته است، و از آنجا که کلمه "ناشی" توجه به منشأ پدیدایش و تحکیم سرما به داری وابسته دارد، و منشأ پیدایش، تحکیم و غلبه سیستم سرما به داری وابسته تا حد زیادی همان سیستم جهانی سرما به داری میبا شده فقط "کل مناسبات تولید" سرما به داری وابسته ایران، در نتیجه بیکار بریدن کلمه "ناشی" در آن جا اشتباه بوده است. اما منافسانه، آنچه کمتر مورد توجه بیکار و موضوع استدلال وی قرار گرفته نه این موضوع نادرست که مطلب صحیح دیگری نبوده است، و آن عبارت از توجه رزمندگان به بدینا میک خاص نظام سرما به داری وابسته و عملکرد و روند مستقل آن علیرغم غلبه وابستگی بر آن میباش. بطولاً استفاده از کلمه "ناشی" در اینجا کاملاً لغزش و خطایی غیر اساسی بوده است چنانکه رزمندگان در نوشته های دیگر بفریبی و بدرتستی توجه به نقش و دخالت امپریالیسم در تحکیم و غلبه سرما به داری وابسته در ایران نموده است. از جمله مواردی که نشان دهنده، توجه نادرست بیکار به جنبه صحیح بطرات رزمندگان میباید مورد

رزمندگان می نویسند: "هرگاه به جنبه های تبعی و فرعی سیستم و روابط بیکاریم (که البته برداختن به آنها هم ضروریست) هرگز نتوانیم توانست جا معه را تغییر دهیم، چرا که طبیعت این روابط و طبیعت سرما به داری که این روابط را تعیین بخشیده است، دوباره رجوع به اصل نموده، و وابستگی را هر چند بنشان، کمتر و بگونه ای دیگر برقرار میسازد."

در اینجا تمام تلاش رزمندگان متوجه آنست که به بوی بولیمتها و کسانیکه با مطلق کردن وابستگی مطلقا درسی استقلال اند توضیح دهد که نمیتوان وابستگی را جدا از سرما به داری مورد حمله قرار داد، و از میان برد، و مطرح میکند که طبیعت با ما - هیبت مناسبات اقتصادی در کشور تحت سلطه - امپریالیسم ما است ایران که سرما به داری است موجب میشود تا بفرس محال که ایران از وابستگی به امپریالیسم رهاییده شود، باز اجباراً و بغا طر و احد بودن و حاکم بودن سیستم جهانی سرما به داری و بغا طر عملکرد قانون ارزش و گردش سرما به در رابطه متقابل با سیستم جهانی، بعداً او - بستگی بزرگشور تمثیل شود، و تمام تلاشهای خرده بورژوازی برای راهی از چنگال وابستگی و نیل به استقلال نقش بر آب گردد. میگویند تلاشهای خرده بورژوازی و نه بپولیتاریا، زیرا که هرگاه بپولیتاریا قدرت سیاسی را در یک کشور عقبه در صفحه ۹

# اصلاحات . . .

حال به ادامه بررسی طرح و نتایج حاصله از اجرای آن میپردازیم و به این ترتیب سلسله مقالات اصلاحات ارضی و جمهوری اسلامی را به پایان میرسانیم. این مقالات با آموشگاه دینی و تکمیل قسمتهای لازم مزودی یکجا و بصورت یک کتاب عرضه خواهد گشت.

## مجریان طرح:

بر طبق ماده ۹ آئین نامه اجرایی، اجرای طرح بر عهده ستاد مرکزی ۵ نفره مرکب از نمایندگان زیر است:

- ۱ - نماینده نام الانتخاب حاکم شرع و ولی امر.
- ۲ - نماینده نام الانتخاب از جهات سازندگی.
- ۳ - نماینده نام الانتخاب از وزارت کشاورزی.
- ۴ - نماینده نام الانتخاب از وزارت کشور.
- ۵ - نماینده نام الانتخاب از وزارت دادگستری.

این ستاد بر طبق ماده ۱۰ میبایست در هر استان یک یا چند هیات ۷ نفره که:

- ۵ - نمرات آنها ثابت و ۲ نفر دیگر منصفین میباشند در استانها و شهرها نتایج بصورت و بترتیب زیر تشکیل دهد:
  - الف - ۲ نفر نماینده وزارت کشاورزی.
  - ب - یک نفر نماینده جهات سازندگی.
  - ج - یک نفر حاکم شرع و ولی امر.
  - د - یک نفر نماینده وزارت کشور.
  - ه - دو نفر عضو منصفین که نمایندگان مورداستناد اهالی محل میباشد، با نظارت نماینده استانی از طرف مردم محل انتخاب و پس از تأیید نماینده حاکم شرع معرفی میگردد.
- شماره ۱ - هیچیک از اعضاء هیات هفت نفره نباید از زمینداران بر روی باشند.
- شماره ۲ - ۲ عضو منصفین بهر است از افرادی که زمین و باکم زمین در روستا باشد.

بر کتب ستاد مرکزی سمانا از ارکانهای دولتی و مراجع و حاکم حاکم هستند که در مورد آنها هیچ محدودیتی جزو اینک آنها هستند ارکانها و مراجع وجود ندارد. طبیعتی است که این ستاد در بهر است حالت خود سیاست منتج ترکیب نامتجانس اما بهر حال بورژوازی خود را برای طرح اعمال میکند. هر مومنی خرده بورژوازی حاکم بر هیات حاکمه در این سیاست تیلور یافته و خلقت طبقاتی طرح را در اجرا آن نیز تعیین خواهد نمود. و این همان خلقت طبقاتی است که خرده بورژوازی مرفه در با بر نشون جامعه نیز نشان داده است. بدست آوردن هیات حاکمه در اتحاد با بورژوازی لیبرال بر علیه منافع انقلابی توده های زحمتکش از طریق برگوب و فرم رفرمی که بهر حال بر منافع بلاواسطه بورژوازی بزرگ و تا حدودی بورژوازی متوسط خدشه وارد میسازد. در مرز مالکیت عمومی خرده بورژوازی مرفه متوقف میگردد. و حاصل این رفرم را بدفع دولت در درجه اول تمام میکند. در این میان آنچه نصیب توده ها میشود آنچه چیزی است که دولت بنا بر مصالح اقتصادی و سیاسی خود و نظام حاکم تعیین میکند و حرکت توده ها خارج از این حد در برگوب و فرم اینکار عمل از آنها در استفاده از حقی همین حد را خنثی میسازد.

ترکیب هیات های ۷ نفره که در واقع مجریان محلی سیاست عمومی حکومت هستند قبلا تیلور خلقت این سیاست عمومی است. ظاهر آنفرد مستقیم مردم در این هیات ها البته بصورت اقلیتی کاملاً مغلوب (۲ در مقابل ۵) ممکن است این دو نفر اعضاء منصفین هستند که در هر زمان قابل تعویض میباشد. در ماده ۱۶ آئین نامه پیش بینی شده است:

"ستاد مرکزی میتواند هیاتهای مزبور (هفت نفره) را متحل و یا بعضی از اعضاء آنها را عزل و جانشین آنها را طبق آئین نامه تعیین نماید"

این اعضاء منصفین با نظارت نماینده استانی انتخاب و پس از تأیید نماینده حاکم شرع معرفی میگرددند. تجربه انتخابات شوراهای محلی در سال گذشته نشان داد که تا چه اندازه نماینده استانی در انتخاب و کلا ارکانهای وابسته به جمهوری اسلامی در انتخابات به سبب وجود مغربین و صحنه سازی و عاقبت منقلب میشوند و نیز انتخابات ریاست جمهوری نشان داد که حاکم شرع حق "شو خود را بر علیه نیروهای مترقی بکار میبرد. تجربه نشان داده است که از جایی نظارت استانی و تأیید حاکم شرع هیچکس جز وابستگان به جناحهای مختلف حاکم عبور نخواهد کرد و هر امری هم با جمعی روبرو خواهد گشت. اینست وضعیت دو عضو "منصفین" و اقلیت که ظاهراً تنها نقش سود مستقیم بوده مردم در این هیاتهاست.

در آئین نامه ذکر شده است که اعضاء هیات نباید از زمینداران بر روی باشند. اما البته میتوانستند نمایندگان طبقاتی آنها باشند. میبایست مستقیماً زمیندار متوسط و خرده مالک باشند. در آئین نامه آمده است دو عضو منصفین بهر است از افرادی که زمین و باکم زمین باشند. اما اشکالی ندارد که نماینده آنها نیز میبایست مستقیم و غیر مستقیم نماینده خرده مالکان و مالکان متوسط و بزرگ باشند. و البته در عمل این بهتر است!

## نحوه اجرای طرح:

بر طبق مواد ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ آئین نامه هیاتهای ۷ نفره زیر نظر ستاد مرکزی به تعیین عرف محل، زمینهای دایروها برومات منضمول قانون، تشخیص صلاحیت متقاضیان زمین و کنترل و نظارت کشاورزی خواهند پرداخت. کلیه وامهایی که مربوط به اراضی واگذاری شده است و به دهقانان داده میشود زیر نظر این هیاتهاست و تمام وعده های دولتی در مورد زمین و سایر تولید در مورد این اراضی نیز از همین طریق خواهد بود. در واقع مالکیت دولت بر تمام اراضی مشمول قانون و نظارت دولت بر تولید و حفظ روابط تولید در این مالکیت با هیاتهای ۷ نفره محلی و زیر نظر ستاد مرکزی است.

بعبارت دیگر این هیاتها کارگزاران دولتی املاک دولتی (اعم از واگذار شده و نشده) خواهند بود که در عین حال حق نامعدودی (از طریق موازنه مدنی و شرعی) در امور اقتصادی اجتماعی روستاها خواهند داشت.

سکه هیاتهای ۷ نفره بسیار بر این املاک دولتی هستند که در عین حال متنواست قدرت نام سیاسی در روستاها را بزرگ کرده و وسای جمع آوری نمایندگان تمام ارکانهای دولتی و مراجع روستایی حاکم، قدرت بلا منازع خود را در دهات اعمال کنند.

بر طبق ماده ۲۰ "تشخیص و واگذاری اراضی بصورت شرکتی ناموسی و متاعی بصورت فردی بعهده هیات هفت نفره است که طبق عرف محل و انتخاب احسن تصمیم میگیرند"

بر خلاف آنچه در ابتدا از سوی "رئیسهای" تحت عنوان چلوگیری از خرده کردن زمینها با استفاده از طرح متاع و مشتتتک عنوان میشد، آئین نامه اجرایی، نحوه واگذاری را بدون هیچ تاکیدی بر عهده هیاتهای هفت نفره میگذارد. زمینهای واگذاری شده در واقع در مالکیت دولت باقی مانده و بر طبق شماره های ماده ۲۰:

- "شماره ۴ - زمینهای واگذاری را نمیتوان منتقل کرد و در صورت تا عراض زمین مسترد میشود."
- "شماره ۵ - اراضی واگذار شده قابل فروش نمی باشند و گیرندگان زمین موظفند حدود اراضی خود را حفظ نموده و به اراضی دیگر سران نجا و زمینها بدهند."
- "شماره ۶ - اراضی واگذار شده به متقاضیان نباید بدون عسدر موجه منتقل بمانند."
- "شماره ۷ - گیرندگان زمین متعهد به اجرای برنامه گشت اعلام شده از طرف وزارت کشاورزی میباشد."
- بعبارت دیگر در اراضی واگذار شده نقش دولت در قالب مالکیت و نظارت بر تمام امور کشاورزی و زندگی روستاها در مقابل نقش دهقانان بعنوان افراد متعهد به برنامه ها و مقررات دولت ترسیم میگردد. این دهقانان البته دهقانانی هستند که "با بدکتیا متعهد

# اصلاحات

نویسنده در مجموع بیست از عرف محل زمین در اختیار رفاشته باشند (تیمبر ۳۰ - ماده ۲۵) والیته عمدتاً تا مل دهقانان تغییر خواهد بود. درست همین دهقانان هستند که از هرگونه ابتکار عمل در تسووع مشکل حرکت مبارزاتی و اختیار در تولید محروم میشوند و از آنجا که اراضی یا مرغوب یا بیاراضی موات و اراضی غیرمکمل سیزده و کم منعمت برای اداره، مستقیم دولتی سهم ناچیزی به آنها داده میشود. درست همین دهقانان هستند که تحت سلطه "هاتهای هفت نفره" منعمه و مغرور و به با ننگها سرنویس خود را به امید آینده ای قابل تحمل تراز فلاکت کشونی، با دیکرمی آزمایشند و لاجرم بندهای جدیدی به دست و پا بشان بسته میشود.

## نقش دولت در طرح اصلاحات ارضی:

دولت، خرده بورژوازی فقیر و متوسط روستاها را از طریق گسترش مالکیت خود بر اراضی ویکا رگرفتن آنها برای اراضی، متعهد و از هرگونه مشکل و خوکت "خودسرانه" آنها در اعمال مالکیت و تولید دسته جمعی جلوگیری میساید. و پابین وسیله حرکت انقلابی آنها را متوقف میکند.

دولت برای اصلاحات فوق زمینهای موات، بخش اعظم زمینهای با یوز زمینهای دایره مالکان بزرگ را به مالکیت خود درمی آورد. بنیاد به احوال این مالکان، اراضی "طاموتیان" را "مصادره" و "با مویان" یا مالکان "متروغ" را در صورت تمایل خود دولت والیته را از دستبرد اجتناب آنها را با خرید میکند. و بیک گلام، مالکیت خصوصی بر اراضی بزرگ را محدود میکند و مالکیت خصوصی را تنها تا حدود خرده مالکین متجان میداند. در طرح اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی، خرده مالکین از هرگونه تفرغی محرومند. آنها در زمانه زندگی کرده و منشا ۱۰ این رفا که به مالکیت آنهاست بتکل زمین و سایر وسایل تولید در مالکیت آنها مانده و بدون هیچگونه تمهید و شرطی از آنها استفا ده و با آنها را خرید و فروش مینماید. نفوذ سیاسی خرده مالکین، با توجه به ترکیب هاسهای هفت نفره، همیشه به قبل (زمان رژیم شاه) ممراتب افزایش یافته و در مقابل نفوذ مالکین بزرگ که در آن زمان دست سر بر آدا شنکذا سلا رجمان می باشد، هم چنین ۹۳ نفوذ سیاسی نسبت به دوره پیمدار سرکونی رژیم شاه که موج حرکت انقلابی در روستاها را حمله دهقانان فقیر بر حواشته است، بر طبق طرح اصلاحات ارضی و یکسک معائن اجرایی آن (دولت) لغویب میشود.

در صورت اجرای کامل طرح، دولت بزرگترین مالک و با بهر نگویند تنها بزرگ مالک اراضی روستایی کشته و به بزرگترین استنما رگز شده های زحمتکش روستاها تبدیل میشود. خرده بورژوازی مرفه سنتی که هنوز قدرت اصلی را در اختیار دارد و توانا هنگا میکه این موقعیت را حفظ کرده است از جنب موفقیب دولتی ابا ندارد. تا هنگا میکه سبب استضعفین، اجها دیار زندگی، و ادارات کشاورزی و حکا مترع و دادگاهها مالکیت دولت را اعمال میکنند. خرده بورژوازی حاکم که بر اساس ارکاسها میلط است از چنین مالکینی خشنود و ارضی است. و بیط چنین مالکیتی تا حد مالکیت خصوصی حوایی قشر خود را کاملاً متروغ و انقلاب سی میسر و با رعایت حال مالکان بزرگ از طریق پرداخت خسارات وارده و "اجازه مالکیت کوچک به آنها اعدا مات لازم به عدسیت ما - لکیت را با می آورد. در واقع، فایده، کاملاً متروغ مالکیت از نظر جمهوری اسلامی با مالکیت دولت و با مالکیت در حدود جناح حاکم پسر این جمهوری است.

از نظر بنده های زحمتکش روستاها حرکت "خودسرانه" و انقلابی آنها در مصادره اراضی با ماع بزرگ طرح اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی و انواع تکفیرها و تنبیه ها مواجه گشته است. کبجی ویراکننده کساری و عمل متناقض جمهوری اسلامی بتدریج کاهن میباید تا تکمیل هاتنها هفت نفره و نشیبت آنها، تمام ارکاسهای اجرایی (از پاسداران و کیمته ها تا زاندار میری و ارتش) در خدمت اجرای تصمیمات آنها قرار میگیرند. و زحمتکشان روستاها با فدا انقلابی فشرده ترو یکبارچه تشر

روبرو میگردند و از آنجا که گسترش مالکیت دولتی، نه اما سن روابط نویسی لیدی، بلکه شکل مالکیت را تغییر میدهد، استنما رتوده های زحمتکش که از طریق قرض و بدهی و تمهیدات دیگر ادا می نمایند تغییر میابند و نویسی با بد، هنگا میکه توده های زحمتکش با قدرت سیاسی و سرکسوت میا نبرین جدید (هاتهای هفت نفری) در روستا های مختلف روستاها با شند، و کما بیش با قوانین و مقررات واحدی دست یگریمان با شند، بدون تک زمینه های عینی اتحاد کارگران کشاورزی و دهقانان زحمتکش مما عدترکشته وصف بندی طبقاتی دقیق تر و مشخص تر در روستاها بوجود می آید. توده های زحمتکش روستاها در ضمنی قرار میگیرند که در آن برای خرده مالکین جایی نیست.

گسترش مالکیت دولتی بر اراضی مصادره شده، اراضی موات، و اراضی دایره بورما را از اد اجناح مالکان بزرگ، در عین حال که پسر زمینهای بزرگ، مالکیت واحدی را اعمال میکند با بروسه، خردگسردن زمینها نیز همراه است این خرد کردن اولاً با تکمیل قسمتهای مرغوب زمینهای بزرگ و باقی ماندن آنها در دست مالکان انجام میگیرد و ثانیا این خرد کردن با در پیش گرفتن سیاست واگدا ری قطعاً سات کوچک اراضی دولتی به افراد عمومی دیگر صورت میدهد.

ماهیت دولت و خصوصیت عقب افتادگی، ما توانی و بوروکراسی حاکم بر آن، دولت را از طرح و اجرای یک برنامه، متمرکز که بتواند سطح تولید را افزایش داده و نیاز مندیهای ابتدایی اراضی و واگدا رتوده را بر آورد (آب، کود، بذر، ماشین آلات و...) عاجز میسازد. همین ماهیت و خصوصیات بوروکراسی، هرگونه تجربه ای نظیر سرکت سهای رزای، که با شرکت و نظارت و هدایت دولت با شند شکست روبرو میسازد. در این نوع تجار پ بورژوازی (و از جمله مشیاع و مشترک) که سها مدار اصلی آن دولت خواهد بود، نخواهد توانست توده دهقانان را که بر روی تکه تکه زمینهای خصوصی و احیاناً واگسذاری تده کار می کنند به سیاست بهره برداری جمعی از زمینها ترغیب نماید.

هم چنانکه تجربه بیش از ده سال عملگر در رژیم شاه در شرکتهای تعاونی دولتی و شرکتهای سهای رزای، خواست دهقانان را به قسم اراضی و در اختیار گرفتن مالکیت فردی بزمینهای که توسط اس شرکتهای فدهقاسی و بور وگراسک سرما به داری و اپنتسه سدد سمود، خواهشی که سلافا صلحس ارسکوسی رژیم شاه را سبب دهقانان در برخورد به این شرکتها پیگیری شده و مسود، حکومت کنونی نیز به علت ماهیت طبقاتی خود نخواهد توانست بوده دهقانان را به مالکیت دستجمعی بزرگس و تولید و بهره برداری دستجمعی ترغیب نماید (والیته چنین هدفی را نیز اسیبنداد در سر ندارد). این تنها طبقه کارگر است که با نشان دادن صداقت خود در عمل، در هدایت و رهبری دهقانان در بهبود تولید و بهره وری از زمین و در سپردن امور کار روز زندگی بدست خود آنها، توده دهقان را با خود متحد خواهد نمود.

## پایان سخن:

طرح اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی هم چنانکه در قسمتهای مختلف این بررسی نشان دادیم، با مشخصات زیر همراه است.

- ۱- این طرح بدنبال شکست سیاستهای اولیه جمهوری اسلامی در مقابل جنبتهای دهقانی، و پسندنیال یک دوره از ششست و عمل متناقض در ارکانهای جمهوری اسلامی، در مقابل حرکتهای انقلابی توده های دهقانی، تهیه و بنمویب رسیده است.
- ۲- این طرح از یکسو معمول عقب نشینی جمهوری اسلامی در مقابل جنبتهای دهقانی و از سوی دیگر معمول کشمکشها و مازنها و وجود مشترک درونی هبات حاکمه است.

• تشکیل و تشبیه هاتهای هفت نفره و اجرای تصمیمات آن خود زمینه مبارزه گسترده ای در روستاها، میان توده های زحمتکش خرده مالکین و مالکین بزرگ میگردد. جندی بیست نماینده حاکم تشرع در استان فارس تمام هاتهای هفت نفره در سطح استان را منحل اعلام کرد!

# اصلاحات ارضی . . .

۳- خواست بوده، دهقانان که در طی صدها حرکت انقلابی در انگلستان مختلف طرح کرده حول دو محور زیر بوده است:

الف- طلب مالکیت ارضی مالکان بزرگ از آنها و واگذاری ارضی به دهقانان. حرکت خودجوش دهقانی این خواسته را در اغلب نقاط در قالب راه حل ساده دهقانی یعنی تقسیم ارضی طرح نموده است.

ب- حمایت اصمادی و سیاسی دولت از دهقانان برای بهبود وضعیت تولید در مقابل سلسله روابط

اقتصادی حاکم بر روستاها و عملیات مستقیم و سجاوزکارانه مالکان. این خواست عمومی در کنار واقعیت اقتصادی، اجتماعی جامعه نشان میدهد که حل انقلابی مسئله ارضی - دهقانی بدون یک برنامه ریزی وسیع و مرکزی توسط دولت غیرممکن است.

درواقع اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی بخش عمده ارضی دایر و روستاها را بر موقوف مالکان بزرگ ناحودی در دست آنها باقی می ماند و عالمنا مستقیماً توسط ارگانهای دولتی اداره میشود. بحسب ارت دیکتاتور غیرمتکلم مالکیت تنها تغییر مهمی است که در روزی این ارضی صورت میگیرد و روابط گذشته اساساً بجای خود باقی است. واگذاری ارضی به دهقانان در طرح مزبور عمده اراضی موات و با برنا مرغوب صورت میگیرد که البته مالکیت این ارضی نیز دولتی بوده و واگذاری مشروط به قبول تعهدات گوناگون است.

۴- پدیدایش کمیته ها و شوراهای روستایی که لازمه حرکت انقلابی بوده های دهقان بوده و هست. در طرح اطلاعات ارضی که هیئت های ۷ نفره را بر تمام شئون اقتصادی و سیاسی روستاها مسئولی می سازد بدون اختیار برگزیده است. به اینصورت تشکل انقلابی دهقانان در مقابل حرکت بوروکراتیک هیات حاکمه قرار گرفته و میگیرد.

۵- اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی در واقعیت موجود روستاها که طبق آن بیش از ۸۰٪ دهقانان فقیر و متوسط مالک ۳۳٪ اراضی کشاورزی هستند که در قطعات کوچک تاده هکتار کار میکنند تغییر اساسی حاصل نمی نماید. این تمرکز شدید بوده، دهقان در مجموع اراضی کسب شده در قطعات بسیار زیاد و بسیار خرد تشکل گرفته است از ریشه های اصلی مسئله ارضی - دهقانی در ایران است که اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی اثر درایس تغییر نمیدهد.

۶- با واگذاری بخشی از اراضی موات و مرغوب یا بر واحتمالاً بخشی از اراضی دایر به دهقانانی که کمتر از "مرف محل" دارند (عمده) دهقانان فقیر نیستند مگر کجوه، دهقان در اراضی کشاورزی ناحودی موقوفات گاه هفت میباید اما ارضی جدید که به همراه خود قروض و تعهدات جدید را به همراه می آورد باعث فقر و فلاکت اجتناب ناپذیر آنها خواهد شد.

۷- خرده مالکین (خرده بورژوازی مرفه روستایی) و مالکین متوسط که حدود ۱۷٪ از اهالی روستا را تشکیل داده مالکیت ۴۵/۵٪ ارضی را در قطعات ۱۰ - ۵۰ هکتار دارا میباشند که کمترین موقعیت اقتصادی خود را حفظ نموده و بر موقعیت سیاسی آنها (بویژه خرده مالکان) به میزان چشمگیری افزوده خواهد گشت و در نتیجه تقویت موقعیت اقتصادی آنها را به همراه خواهد داشت.

۸- کمترین مالکیت دولتی بر ارضی بزرگه مالکیت خصوصی برای زمین ها را محدود می نماید. اما طرح تماماً نمودن تفکیک قطعاتی از زمینهای بزرگ (تا سه برابر عرف محل) و حفظ مالکیت مالکان عمومی برای این قطعات، در واقع عده ای از مالکان بزرگ را به خرده مالک تبدیل می نماید. بنابراین تشریب پرورده مالکیت و احیاء دولتی بر زمینها در کنار پرورده خرد شدن بخشی از اراضی بزرگ انجام میباید.

۹- کمترین مالکیت و محدود دولتی و نقش دولت در تولید و نظارت بر ارضی بزرگ و واگذاری نه اگر چه در مسایات تولیدی تغییر سری

حاصل نمیکند اما در بطن خود زمینه های عینی اتحاد کارگران کشاورز - روستاییان زحمتکش را مساعدتر نموده و صف بندی طبقاتی در تقابل و شخص تری در روستاها بوجود می آورد.

۱۰- طرح اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی با در پیش گرفتن سیاست کمترین مالکیت دولتی و واگذاری مشروط بخشی از این اراضی به دهقانان می شود تا راه حلی پیشرفته تر از "راه حل ساده" و اتوپیستی دهقانی که همانا تفکیک مالکیت از طریق تقسیم ارضی است، ارائه دهد. اما درست بخاطر همین دولت و خصوصیتناوشی و عقب افتادگی بوروکراتی حاکم بر آن به نتایج قابل توجهی در حل مسئله ارضی - دهقانی نرسیده بلکه با ادامه روابط اقتصادی سرمایه داری وابسته این خواست دهقانان را کفایت آن بجا خواهد گذارد. خواستی که تنها با راه حل پروکتاریا در سیر - دن زمین به ارگانهای نهادهای دهقانان و تشویق آنها به بهره برداری دستجمعی از میان خواهد رفت.

نتیجعات فوق و واقعیت جاری نشان میدهد که: اولاً - مبارزه کمتر شده و جادی که در شرایط کنونی در روستاها از سوی دهقانان برای دفاع از دستاوردهای جنبشهای یکسال و نیم اخیر و برای بدست آوردن شرایط بهتر در اجرای طرح در جریان است مبارزه ای فوق العاده پراهمیت از لحاظ تسریع مبارزه طبقاتی در روستاهاست. ولذا شرکت در این مبارزه جهت بدست آوردن بهترین شرایط برای توده زحمتکش و زمینه، مبارزات مستمرا آنها وظیفه ای مبرم میباید.

ثانیاً - تشکل کارگران کشاورزی و زحمتکش روستاها حول ترویج و تبلیغ راه حل پروکتاریا که عمدتاً منتهی تولید جمعی بسود و بطور مشخص اداره امور کار روزندگی را بدست شوراهای واقعی توده های زحمتکش میباید. اهمیت بیشتر و بیشتری میباید.

ثالثاً - مبارزه با اتوپی دهقانی که بخصوص از سوی خرده مالکین برای تفرقه در میان توده های زحمتکش رواج داده میشود پیش از پیش از ضیعت یافته و هم چنین ماهیت دولت میباید دست مورا افتا کوری های وسیع قرار گیرد.

تکی نیست که اصلاحات ارضی حکومت - در صورت اجرا و در بهترین حالت خود - مالکیت دولتی بر زمینها را گسترش میدهد. میزان منحصراً به سهم توده دهقانان در استفاده از زمین میافزاید و عرضه ای ناقصی بر پیگیری مالکیت خصوصی بر زمینهای بزرگ وارد میکند. اما در مقابل با ایجاد عظیم مسئله ارضی - دهقانی در روستاهای ایران و تشدید تضادهای میان توده های دهقان و نظام سرمایه داری وابسته در روستاها، اصلاحاتی عقب افتاده و سطحی بیش نیستند.

جنبش های دهقانی، بر آتش تضادهای جاد روستاها شکل گرفته و رشد میباید. این جنبشها اکنون مرمه روستاهای ایران را در بر گرفته اند. اجبار حکومت به اصلاحات ارضی فرصت مناسبی است تا نیمه پرورده لستاریای روستا، دهقانان فقیر و زحمتکش، در کمیته های دهقانی و شوراهای واقعی روستاها متشکل شود و ابتکار عمل در مارد، زمینهای هر چه بیشتر از مالکان را بشفق تشکل های خود بدست بگیرند.

کمیته ها میباید دست در هر گجا که میتوانند در راست جنبش توده های دهقان قرار گرفته و پیش از آنکه بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه روستایی و ارگانهای دولتی پشتیبان آنها به خاموش نمودن حرکت انقلابی دهقانان بپردازند، ابتکار عمل را بدست توده دهقان بسپارند. در اینصورت است که توده های دهقان در برابر یک مبارزاتی خودخواه - افتد. موخت که تنها پروکتاریاست که مدافع منافع انقلابی آنها بوده و نصیحت از اوست که بهترین دستاوردهای ممکن در هر مبارزه ای را نصیب آنها خواهد ساخت.

تنها از این واقعیت است که دهقانان در تجربه مشخص خویش و بسا روشن شدن نتایج اصلاحات ارضی حکومت، که ایضا کمونیستها در نشان دادن این میباید پیشقدم گردند، درخواهند یافت که حل انقلابی مسئله ارضی و دهقانی و در واقع حل ریشه ای و حیثیتی آن تنها توسط پروکتاریا میسر است. زیرا پروکتاریا حل مسئله ارضی را به توده دهقان خواهد سپرد از زمینهای مالکین را بی هیچ قید و شرطی مارد خواهد کرد. بسا کار نمونه وارد دهقانان را به کار دستجمعی و بهره برداری دستجمعی از



بقیه از صفحه ۲

### سرمقاله

جانبداری فدا انقلاب مطلوب وجود دارد. نقل و انتقالات نظامی آنها بیشتر شده است. ورود مسلح توسط آنها و پخش در میان عشا برقتقایی و بعضی نواحی دیگر گسترش یافته و... بورژوازی حاکم که پیوسته عشا و سرخشیها بی از خود را مستقیم با بدرون این فدا انقلاب میفرستد. متحد طبیعی آن، متحد طبیعی امیر با لیس و متحد طبیعی همه ایسن توطئه ها میباشد.

دفاع از جنبش انقلابی و توسعه آن در برابر زکات هیات حاکمه وظیفه ای است که ما کمونیستها بر عهده داریم. در حال حاضر گوتشیرات موازنه سیاسی را در نظر بگیریم. و انواع تجار و زات به جنبش انقلابی و سرکوب توده ها از یکسو و توطئه چینی ها و بزنا به های ضد انقلاب مطلوب و بورژوازی حاکم را از دیگر سو مورد توجه قرار دهیم ما موظفیم در برابر زکات حکومت امیر انقلاب را به پیش ببریم و به افشای همه جا نیه هیات حاکمه، فدا انقلاب مطلوب و توطئه ها پیش بپردازیم. آنچه که موجب تقویت فدا انقلاب مطلوب و گسترش صفوف آن گردیده

از چندین لحاظ مربوط به خود هیات حاکمه و همه جناحها پیش میباشد. آنها توده ها را خلع نمودند. ساواکها را آزاد کردند. رادیو و تلویزیون را در اختیار امثال مدنی ها، امیر نظام ها، قطب زاده ها و... قرار دادند و میدهند. و در مقابل به نشریات انقلابی و سازمانهای انقلابی، به جنبش با شکوه خلق ایران تعرض کردند. از توسعه آن جلوگیری به عمل آوردند. و امروز نیز با وجود آنکه صد انقلاب مغلوب دهها رادیو، نشریه و حتی تلویزیون بر آه میاندازد، با وجود آنکه آنها عملاً به لشکرکشی و راه انداختن شورش و اعتصابات و توطئه مشغولند، با زهم هیات حاکمه بیشتر از هر چیز بکسر توطئه علیه کمونیستها و نیروهای دمکرات انقلابی است. این است آن واقعه ای که هرگاه فراموش شود ما را به نعرات آشکار میگذرانند. و این است آن چیزی که اپورتسور نیستند بر آن تا به میافکنند. این است که موازنه سیاسی موجود و تغییراتی که در آن در طی چند ماه اخیر وارد شده است.

این موازنه و آینده آن، امکانها و امیر با لیس و فدا انقلاب مغلوب

ب و بورژوازی بطور کلی ما را موظف میکند در یکبار دیگر بر برنا به اتحاد عمل خود جهت آمدگی و سرعت عمل در هر شرایط پیچیده استمرار بورژیم و آنرا از روی اوراق کاغذ به مرحله عمل در آوریم. شرایط مغمفی و ناگهانی ما را موظف میکند تا کارها را از قبل در جهت تقویت نیروهای انقلابی و پیشبرد ما را انقلاب در مقابل هر دودان انقلاب حاکم و مغلوب، گام برداریم و نگذاریم یکبار دیگر جنبش انقلابی به هدر برود. کمونیستها نباید بطور متفرق و غیر متمرکز، بدون آگاهی و توقف

قبلی، بدون داشتن اتحاد عمل کافی، به این دوران پیچیده مبارزه طبقاتی، مبارزه میان انقلاب و ضد انقلاب وارد شوند. هم اکنون ما را دیگر نیروهای کمونیست و انقلابیون دمکرات را به وحدت و اتحاد عمل فرا میخواند. این اتحاد عمل را در حالتی که احتمال تحقق وحدت ضعیف است و سبب پیچیدگی شرایطی که به احتمال قوی در برابر ماست، یعنی تعرض به انقلابیون از طرف حکومت و اغتشاشات و توطئه چینی هستی فدا انقلاب مغلوب از طرف دیگر، امر ضروری و جدی انقلاب تلقی میکنیم.

### اصلاحات

زمین ترغیب خواهد شد. تولید کرده مالکین را بترسید در تولید متمرکز دولتی و تولید دستجمعی دهقانان مستحیل خواهد ساخت. اما ایجاد صنایع کوچک و بزرگ در روستاها و شهرها توده عظیم دهقانان را از محدودیت کارکنان و رزرها خواهد کرد. اما انحصار و تخمین خرید محصولات و فروش نیازمندیهای کشاورزی به مناسب ترین قیمتها بفع زحمتکشان و جبران خسارات کشاورزی و کار زحمتکشان را از قید سرما به رها خواهد ساخت. و با در پیش گرفتن سیاست مکانیزاسیون با زدهی تولید، نیروی کار متمرکز در روستاها را کاهش خواهد داد. تنها از این راه است که مسئله ارضی با رفع وضعیت فلاکت بار رتکه های کوچک و بزرگ، و مسئله دهقانی با رفع سیاست سبادت طبقاتی بورژوازی در روستاها و جذب توده دهقان یکبار در اراضی مشترک آنها و مراکز دیگر تولید حل خواهد شد.

### نگاهی به

بقیه از صفحه ۵

سرما به داری وابسته بچنگ آورد، سرما به داری وابسته و از هر دو جنبه آن تو ما مورد هجوم قرار خواهد داد. و از زخمت حاکمیت بر کشور بترس می کند. اما بیکارزی توجه به معنا و مفهوم "طبیعت سرما به داری" اظها را میکند که علت آنکه رزمندگان برای وابستگی جنبه فرعی و تمیمی فاشل است اینست که "طبیعت سرما به داری این روابط را تعیین بخشیده است. منظور از "طبیعت سرما به داری" این سیستم سرما به داری و آن روابط مادی و مشخص سرما به داری در این با آن کشور نیست. بلکه جنبه انتزاعی سرما به داری با تعیین رتی ماهیت وجه عام نظام سرما به داری وابسته ایران مورد نظراست. وقتی میگوئیم "طبیعت سرما به داری موجب میشود تا بدین معنا نسبت که فلان روابط سرما به داری مشخص موجب همانگی بلکه نفس سرما به بی بودن در مقابل با وابستگی بطور مجرد و کلی مورد نظراست. حال ما از رفقای پیگار میپرسیم آیا "طبیعت سرما به داری" موجب ایجاد وابستگی نگردیده؟ آیا دخالت و نفش امیر با لیس در ایجاد سرما به داری وابسته و نیز رشد منا

نات کالایی و سرما به بی و وابسته بزبان مناسبات فتودالی در ایران پیش از حاکمیت نظام سرما به داری وابسته، صورت مادی و مشخص همان "طبیعت سرما به داری" نیست؟ "طبیعت سرما به داری" مفهومی انتزاعی و عام را میرساند. و توجه به فلان سرما به داری و بهمان روابط مشخص زمانی و مکانی سرما به داری ندارد. منظور از "طبیعت سرما به داری" قطعا سرما به داری مستقل ایران است. فلان کشور نیست. کلمه "طبیعت" برای توضیح جایگاه مکانی سرما به داری مثلا ایران نیامده است؟ بلکه برای نشان دادن و تاکید کردن بر ماهیت سرما به داری دارنده آورده شده است. اما بیکار چون در بندشنا ختی سطحی و یکجانبه از سرما به داری وابسته می باشد. این نظرات رزمندگان را حاصل برد و پهلوی کوی می کند. و از آن بخصوص نتیجه میگیرد که "رزمندگان سرما به داری وابسته ایران را حاصل تکامل خود پوی جامعه میداند. که در پروسه تکامل خویش به وابستگی رسیده است. "آدا به دارد"

رفقا و هواداران! رزمندگان را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید!

بدون رهبری طبقه کارگر سیستم سرما به داری وابسته به امیر با لیس نابود نمیشود

پنجم از صفحه ۱۰

# گزارشی از یک روستا

و تعدادی خوش نشین بود. ما شرقیلا تیم دانستگ از زمینهای ده را برای شش اداره امور مالک گرفته بود و هر ده مالکین در مقدار از زمین هایی که خود در مسیل رودخانه آباد کرده بودند صورت دیم گشت میکردند. اما رعیت ها که فعلا بنسروزی زمینهای بی که بوسیله تنها فئات ده مشروب میشد و متعلق به مالک بود، برای مالکین کار میکردند تا گبان از حق ریشه (نسق) خود محروم میشوند. در حالیکه قبل از اطلاعات ارضی آنها علاوه بر "کار" دارای سهم ششم هم بودند. ولی با آمدن تراکتور آنها از سهم ششم هم محروم میشوند و تنها سهم کارشان ناقصی میماند.

رعیت های سابق به جنب و جوش می آیند و در پی تنهایی را دیوی ده که متعلق به یک خوش نشین بوده جمع میشوند، اما جز قبول چاره ای نمی بینند، مساله آنقدرت مالک، دورنمای پراکندگی و در بدی و بالاخره توصیه های محافظه کارانه رعیت سفید از به ایشان را نیز زمین قفل میکند. مالک با سوز زمین ارضی در همه قلم نسبت به حفظ همان شکل قدیم یعنی "سهم بری" در حقیقت با آنها نوعی مناقطه میکنند و این رعایای سابق را که فعلا بنسروزی کارشان را برای معاضله میشوند، عرضه کنند، در توهم "دهقان" بودن باقی میگذازد و نیز بر استخفافی حتی شدیدتر از قبل میکند. با اطلاعات ارضی اگر سیکاری و دیگر موارد مالکانه از زمین رفت در عوض حق ریشه دهقانان را هم همراه خود برد، او را با قدیم تبدیل به بورژواژد و پاد چندها زمین های خود را توسعه داد. ما شتر هم با زدن چندها تبدیل به زمیندار رسمی شدند، و چند دهقان هم به زحمت با زدن چندها به مسوور شراکتی بر تعداد دهده مالکان افزودند. در ضمن با برپا شدن یک کارخانه در بیرون رواج کشت چغندر دیگر سرما به در عمق روابط حاکم برده نفوذ کرد. از یک طرف ده ای از رعایای سابق مجبور به مهاجرت شدند و از طرف دیگر ده ای به ده وارد شدند و بکار رگشت زمینهای جدید برداشتند.

بورژواژان و لویه انقلاب (قبل از برافتادن رژیم شاه) بواسطه حضور و شغرتکاری که از شیوه های بزرگ به ده آمده بودند، نظاهرات قدر زیم برده صورت میگرفتند و رعایای مطرح شده بگونه ای بود که این ده به کمیونستی بودن معروف میشود. تعداد سرنگونی رژیم شاه ملی القاعده زمین های خریده علم به بنیاد مستغنیان تعلق میگردد و با نورین کمیته ها از شهر به ده سرازیر میشوند و به مناسبت پیروزی انقلاب "فرمان کشت و کسار" را میدهند. در این بین روشنفکران و محصلین به شهرها بازگشته و دهقانان را بصورت نامتکسل و

ناآگاه مانی میگذارند تا قبل از این موقع شعار "مادزه" زمین "بین دهقانان مقبول نیست داشت ولی با حضور ما مورین کمیته و تبلیغی گسه میاشود دیگر کارگزاران مالک سابق احساس می دهند اینها را آرام آرام محو میشود. تحت نظارت این ما مورین و به توصیه آنها برای اداره زمینها مردم ده برای انتخاب نماینده دعوت میشوند، و با رهنمودهایی که "بنیاد" میدهد ما میباشود و کارگران خریده علم بعنوان نماینده دهقانان انتخاب میشوند. تا به پیرس وجه خدمات درخشان خود را برای مالک جدیدم ادا می دهند. او چسبه کاری بهتر از این برای حفظ خودتان. دهقانان ناآگاه ما اگر به این انتخاب تن در میدهند ولی آتش کینه، لطافتی هم چنان در سینه ها بر تلمسه ور میماند.

در موقع برداشت محصول ۵۸ تنیا دهها پروال شریقه قملی را ادا می میدهد. او محصول ۲۱ تن به یک تقسیم میکند یعنی سه سهم "سیاد" و یک سهم دهقانانی که بر روی زمین کار کرده اند و خوشی به ایفای نقش خریده علم میپردازد. در این بین بواسطه تعطیلات تابستان مده ای از محصلین و روشنفکران با رد بگریه ده بازگشته و دهقانان ناراضی و بخصوص دهقانان فقیر را رد بگریه ای به انبیا ربان نشان میزدند و مده ای از آنها تنیا هر چه میتوانند از محصولات گشت شده را اینها تنیا در حقیقت مصادره می کنند. محصلین به همراه چند دهقان فقیر محصول باغات تنسه و انگورده را مصادره کرده و بر درختانهای ده تقسیم میکنند اما پاسداران نظم دخالت میکنند و مسوورین را دستگیر میکنند که با مقاومت دهقانان روبرو میشوند و مجبور به رها کردنشان میگردند. اما بالاخره بنیاد دهها فریب محصلین از طریق سپردن "مسئولیت" تنسه آنها از عهده قضیه برمی آید و سهم خود را برداشت می آورد.

سعدا ز مدتی از طرف جها سازندگی بهیروخند چند نفر دانهجو به ده میومی آیند. میدانم که جها سازندگی در بسیاری از نقاط بواسطه بعضی از عناصر صادق خود دارای عملکردی متفاوت است. ارگان های بی چون "بنیاد" بوده و به خواست همای توده ها نزدیک میشود. در اینجا نیز "جها" شورایی تشکیل میدهد که مرکب از دو خرده مالک، دو دهقان بی زمین که بر روی زمین سیاد کار میکنند و یک نفر معلم میباشد. این شوراسرعت در مناقطه تسلیم نمایندگان سیاد را میگیرد و آتش از زیر خاکستر بیرون می آید. بطوریکه "سیاد" برای زرق و قفق امور پیچیده میشود که یک "روخانی" راه دهه بفرستد اما نمود معوی ایشان برای سرپوش گذاردن بر استثمار یعنی ای که "سیاد" انجام میدهد کاری

انجام نمی دهد و مورد توهمین آشکارا دهقانان هم قرار میگیرد. با تصویب شدن قسمتی از طرح رضا اصباسی "جها" که حالا دیگر کاملاً رودر روی تنیاد، پستانده است، به شورای ده ما مورین میباشود که واگذاری زمین را غلطی سازد. و کمیته هفت نفری شهرستان بنیر چند تنیازین موضوع را تا یکد می کند اما قضیه این است که تقسیم زمینهای ده به خاطر اینکه قدرت با روری و میزان بهره روری از ایشان متفاوت است. با اشکال روبرو میشود و این اشکال را کارگزاران مالک قدیم و جدید ما میزنند. و درست همینجا است که مملکت در غلط جها سازندگی و طرح اطلاعات خود در نشان میدهد.

روشن است که در اینجا "بنیاد" بر اساس مسامح بزرگ مالکی عمل میکند. سیستم سهم بری، انتخاب نماینده و سرکوب نمودن دهقانان، ماهیت یک بزرگ مالک و ایفای نقش بورژوازی است. اما "جها" نیز از دید بنیاد ذات یک خرده بورژوازی مطیع بورژوازی جلوتر نمی رود اما بهر حال خرده بورژوازی که میخواهد همه چیز را تقسیم کند. "جها" بدون اینکه نگاهی به شرع و احکامات شاهیانه بنیاد ندارد. حل مساله دهقانی را در تقسیم (بصورت واگذاری به افراد) می بیند. این سیاست خرده بورژوازی که تا نگذیرد باغ را بیشتر نمی بیند از درک این موضوع عاجز است که اولاً واگذاری زمین حتی بطور مساوی از نجاتی که مرغوبیت و تان تنیا میزان آب زمینها فرق میکند که اینها اولیوسن تبعیض را خود بخود بوجود می آید و در نتیجه مساوات را برار کاروا استفاده از ماشین پیش می آید که تنها معیار اندوخته ای از پیش میتوانند آنرا تا من کنند. و بالاخره از آنجا که اگر کسی نتواند بر روی زمین واگذار شده کشت کند از او گرفته میشود. از همین حالا سرخوش مده زیادی از دهقانان فقیر که فقرت بیبا هیچ امکانش و سرمایه ای جز نیروی کارشان ندارند روغن است.

تنها مورثی که از اتلاف امکانات موجود است و زمین و ماغین آلات جلویگیری میکند کار بهره برداری دستجمعی از طریق شوراهای مرکب از دهقانان بی زمین بر روی زمینهای مصادره شده است. که دهقانان کم زمین به همراه زمین های خود میتوانند به آن جها بپردازند.

وجود این شوراها وجود شورای ده مناقطه تنی ندا رده میتواند نشانگر ملا با هم همکاری کنند و تنی سپردن امور کار روزندگی دهقانان به شورای بنیاد دی "جها" و انجام واگذاری زمین بصورت تنی که در طرح اطلاعات مزبور بدلایلی که گفته شد، موجب ورشکستگی عده، زیادی و تبدیل عده معدودی به زمیندار مرفه میگردد. پس راهی که "جها" عرضه میکند نیز در نهایت به نوزواری خدمت میکند و روند فلاکت و بیچارگی دهقانان را از نو آغاز میکند.

بربر را با دلتا دهقانان با پرولتاریا

**قطع کامل دستهای خونین امپریالیستها فقط بوسیله کارگران و زحمتگشان امکان پذیر است!**

«کمونیستها هرگز مردم دروغ نمی گویند»  
 کمونیستها هرگز به صاحبان قدرت  
 نکیه نمی کنند. کمونیستها فقط به  
 قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشسان  
 و روشنفکران انقلابی مکتبی هستند.  
 ولادیمیر ایلیچ لینن

# پیکر زمندگان

## از اخراج کارگران مبارز جلوگیری کنیم!

اخراج و دستگیری کارگر  
 این مبارز و کمونیست به بهانه  
 های مختلف ادامه دارد. در کما  
 زخات، النبر، تهران، سیمان  
 ری، دبستان اصفهان، شرکت  
 نفت اهواز... عده ای از کار  
 رگران مبارز و انقلابی را -  
 اخراج و در بعضی موارد دستگیر  
 و زندانی کرده اند. ما بارها  
 در مقالات مختلف گفته ایم که  
 علت اخراج کارگران مبارز و  
 کمونیست بوحشت کارفرمایان  
 و دولت از آگاه شدن و متشنج  
 شدن کارگران است. طبقه  
 کارگر برای رهایی بافتن  
 بقیه در صفحه ۶۰

## به مناسبت سالگرد حماسه مقاومت تل زعفر:



مقاومت خلق فلسطین در "تل زعفر" با ۵۰۰ شهید  
 در ۵۶ روز مقاومت مهربان فلسطین شایسته گردیده شده است.  
 معانیل دشمن از هیچ چیزهای پیدا رسد و نایب گردیده در مقابل  
 شهروانی توده ها، تنها راه مرخصین سرکوب است.

## در مجلس چه میگذرد؟

۲/۵ ماه است که از افتتاح  
 رسمی مجلس شورای اسلامی  
 میگذرد. هر چند که نسبت به  
 ۴ سال دوران قانونی حیات  
 مجلس، مدت کوتاهیست. اما  
 شدت مبارزات توده ها و بحران  
 عمیق اقتصادی و اجتماعی  
 آن قدر است که به مجلسان حتی  
 فرصت ظاهر سازی و خودپوشی  
 را نمیدهد و در همین مدت  
 کم، برای سانس دادن ماهها  
 این مجلس به توده ها، ده ها  
 دلیل و مدرک وجود دارد.  
 بقیه در صفحه ۲۰



## در صفحات دیگر میخوانید:



توطئه کارفرمایان برای  
 اخراج کارگران مبارز  
 کارخانه سیمان

اعدام انقلابی در سنج:

## تلاش از تجاع برای سرکوب مقاومت خلق کرد

## نگاهی به مبارزه کارگران دلاور کارخانه البرز: چگونه فولاد آبدیده میشود؟

اینک بیش از دو ماه است که کارگران مبارز "البرز" کار  
 خانه را به دستگیری برای مقابله با حاکمیت سرمایه بدل کرده اند.  
 و تا جایی که در دو ماه گذشته، مبارزات قهرمانانه کارگران را  
 حسن بوضوح از سادگی پیچیده ارتقاء داده است. از سزاو اهمیت  
 فراوانی می یابند، که تصویر بسیار برجسته ای از نقش تجربه عملی  
 طبقه کارگر در فروپاشی توهم کارگران، گواهی به حرکت های  
 مستقل در میان آنان، اراده کارگران در تحقق آرمان های  
 کارگری، شور و انقلابی آنان در اعمال حاکمیت بر امر تولید،  
 روحیه، تعرضی و سازش ناپذیر آنان بر علیه دشمنان طبقه کارگر  
 و سرانجام، چگونگی طی شدن آن راه پرفراز و نشیبی که ماهیت  
 بقیه در صفحه ۹۰



### در مجلس

مجلس جمهوری اسلامی در همین مدت کوتاه بسیاری از چیزها را به توده ها نشان داده است. اول از همه اینکه نمایندگان مجلس یا طرفدار حزب جمهوری اسلامی و یا طرفدار بنی صدر و لیتبرالها و ترکیب مجلس همان ترکیب حکومت است. همان تضادها و همان اختلافات که نمایندگان حزب جمهوری اسلامی در آن اکثریت دارند و سعی می‌دارند که با رأی و توافق و قوا این جناح خود را در قدرت قوی کرده و مرکز بیشتری از قدرت را بدست آورند. و تمام دعوای آنای درون مجلس دقیقاً بر سر همین مسئله است و نه بر سر تصویب قانونی در جهت منافع مردم. خلاصه مجلسی که حکومت ادعا می‌کند، عصاره ای از مجلس است. چیزی جز عصاره ای از هیات حاکمه نیست!

این مجلس با این که نماینده واقعی مردم نیست و امکان ندارد قانونی در جهت منافع کارگران و زحمتکشان موید کند با این حال، برای محکم کاری، از چند جهت به دست کشیده شده است. یکی شورای نگهبان که قوا نیست و لواط تصویب شده را بررسی می‌کند و حق و تودارد و می‌تواند برای تمامی نمایندگان رأی بطل کند.

در حقیقت این مجلس که حکومت با عوا مفریبی کوشش می‌کند که نمایندگان نشانی آنها را بندها تمام مردم قانع کند، ارگانی بالای سر خود دارد که کارش تطبیق نهایی قوانین همین با اطلاع نمایندگان مردم با منافع هیات حاکمه است. ارگانی که به نهایی می‌توانند مطابق قانون اساسی، اگر چه

فرض محال این آقایان حرفی هم نزدیک به منافع مردم بزنند. براحتی روی آن خط بکشند و از اعتبار ساقطش کنند.

خرده بورژوازی حاکم، در به دست کشیدن مجلس حتی به شورای نگهبان هم قناعت نمی‌کند. قدرت های خارج از مجلس بر خود را فراتر از قدرت مجلس میداند بطوریکه آیت الله مشکینی گفته است: "اگر این مجلس از خط امام خارج شود درش رأی بندیم!"

مجلس در ۲/۵ ماه حیات خود چیزهای دیگری را هم نشان داده است. مجلسیان در جریان تصویب اعتبارنامه ها نشان دادند که در سر خوردن با عناصر انقلابی و مترقی و جلو گیری از ورود آنها به مجلس از هیچ کوشش فروگذاری نمی‌کنند و در سر خوردن با عناصر انقلابی، ساواکی و وابسته، چقدر گشاده دست هستند.

نماینده مسجد سلیمان که از طرف سازمان مجاهدین خلق معرفی شده بود حتی اجازت حضور در مجلس را هم پیدا نکرد، در حالی که اعتبارنامه او آیت الله این همکار نقاباتی حاکم سوسیالیست و فرد معلوم الحالی که مدارک ارتباطی با ساواک توسط برخی از نمایندگان همین مجلس رو شد، با سلام و طلوع تصویب شده به توده ها نشان داد که میزان عدل مجلس را، به منافع توده ها، بلکه منافع این یا آن شخص از هیات حاکمه تعیین می‌کند. البته نماینده گانی که به آیت الله ملت ساواکی بودن رأی مخالف دادند، به اشخاص دیگری که در جناح خودشان قرار داشتند با مدارکی از همان نوع و شاید هم مفتضح تر رأی مثبت داده بودند. مشکل خسرو قشقایی از برادر عواها و رای ها نمایندگان در مجلس را و بستگی به جناح های مختلف حکومت

منت تعیین می‌کند. مجلس در دو ماه ونیم گذشته از تشکیل آن میگذرد، با چندین استعفا روبرو شده است اما این استعفاها که نشان دهنده اوج افتضاحات در مجلس است و حتی به تهدید نمایندگان مخالف اکثریت کشیده است. مرکز نشان دهنده موضع مردمی نمایندگان مستعفی نیست. زیرا همین نمایندگان که از عدم وجود آزادی بیان در مجلس مسأله اند، در مقابل صدها مورد غشکاری حق بازاری، تلقیب، انحلال بیشرمانه در انتخابات و صدها نمونه حرکات ضد مردمی حکومت ساکت بودند. آری، اعتراض آنها جز در جهت تقویت جناح خودشان در هیات حاکمه نیست. دهها صدها سیاست و عملکرد ضد مردمی مجلس در همین مدت کوتاه یکبار دیگر حقا نیت این سخن کمونیست ها را ثابت کرده است. اساساً پارلمان نمیخواهد نماینده گان حکومت مردم باشد و حکومت های سرمایه داری با وجود داشتن مجلس نیز نمیتوانند منافع توده ها را تامین کنند و حتی وجود چند نماینده انقلابی و واقعی مردم هم در اصل مطلب تغییری نمیدهد. و شرکت خود کمونیست ها در مجلس نیز هدفی جز اثبات این مسئله و افشای هر چه بیشتر رذیلت های منافع حکومت های سرمایه داری و منافع کارگران و زحمتکشان ندارد.

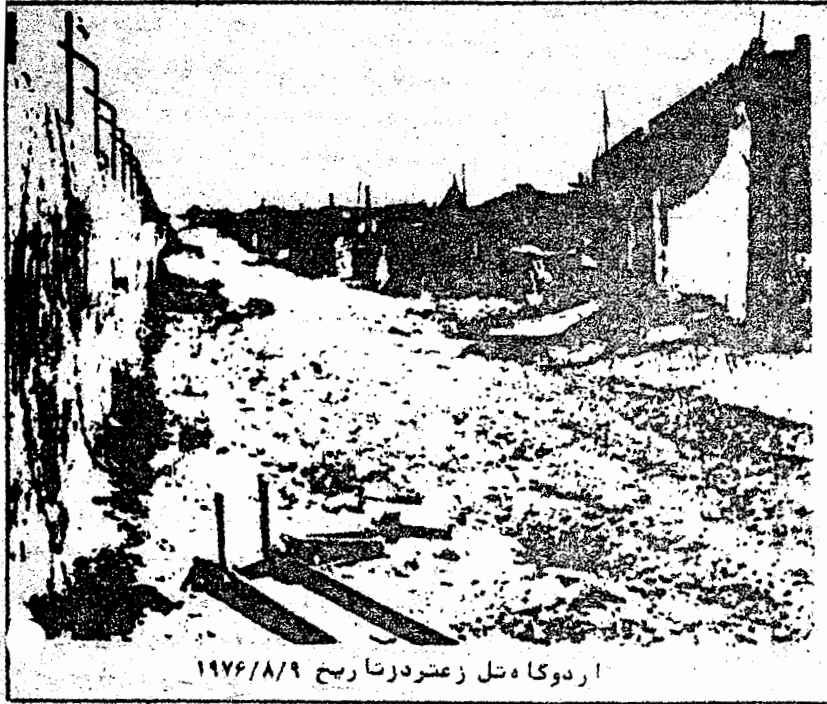
شرکت کمونیست ها و نیروهای انقلابی در انتخابات چند ماه پیش نیز اسامی را ثابت کرد. تقلب های فراوان و دور زدن و کلاه ها و حلقه های بیکی که برای جلوگیری از ورود نمایندگان گروهها و سازمانهای انقلابی انجام گرفت بسیاری خیلی از مردم این امر را روشن کرد که هیات حاکمه نماینده ای را نمیتوانند تحمل

کنند که نماینده واقعی منافع توده ها نباشد. نمایندگان که به مجلس راه پیدا میکنند در بهترین حالت نمایندگان بی هستند که توده ها را میداورند کاری برایشان نکنند زیرا ماهیت بسیاری از نمایندگان چون رفسنجانی، آیت بزدی، سازرگان و... از مدت ها پیش برای مردم روشن شده بود. دعوای درون مجلس بر قدرت و عدم رسیدگی مجلس به هیچ یک از مشکلات مردم از قبیل بیگاری، گزاسی، کمبود مسکن و... نشان میدهد که مجلس اما مزاده ای است که برای توده های مردم معجزه نخواهد کرد. چیزی که از روز اول انتخابات معلوم بود و روز به روز بیشتر اثبات میشود. ضد مردمی بودن مجلس جمهوری اسلامی با زهم این ضرورت را تا کید کرده توده ها تنها با اتکا به قدرت کمبود، تنها با مبارزه علیه همین دشمنان خود و علیه هر نیروی ضد انقلابی میتوانند حواستهای خود بر سر دستشان داد که راه رسیدن به آزادی، استقلال و بیروزی توده ها، نه از چشم دوختن به حکومت و مجلسین و مجلسیان، بلکه تنها و تنها از مسیر مبارزه علیه همین حکومت و مجلس و مجلسیان و تمامی ارگان های حکومت، و برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان میگذارد!

ویژه کارگران منتشر شد:

مسئله  
اهمیت  
و  
طبقه کارگر  
پیکار





اردوگاه تل زعفر در تاریخ ۱۹۷۶/۸/۹

به مناسبت سالگرد  
حماسه مقاومت تل زعفر:  
**تل زعفر:**  
دژ مقاومت و پایداری  
خلق فلسطین

خلق فلسطین در نزدیکی به نام فکرن آواز کی و خانه بدونی در خالککه امیر - بالیم و صهیونیسم ابتدایی تریس - حقوق را زیر پا گذاشته اندسم های فراوانی کشیده و در همان حال، با پایداری و مقاومت رزمنده، خویش، حماسه های بی نظیر در تاریخ بوجود آورده است.

حماسه مقاومت تل زعفر، یکی از این دهها قهرمانی ها و رشادت های خلق فلسطین است. تل زعفر، یادآور مبارزات بیگیر خلق، و نا مردمی و جنابت بیگیری امیر بالیم، صهیونیسم و ارتجاع داخلی لبنان و کلیه کشورهای مرتجع منطقه عرب و غیر عرب است.

حماسه تل زعفر در حالی بوقوع پیوست که پیش از آن لبنان تحت اختیار نیروهای انقلابی و سازمانهای مترقی خلق فلسطین بود. آوارگان فلسطینی رانده شده از وطن خود در اردوگاههای دیگر کشورهای زندگی میکردند و اردوگاه تل زعفر در کنار دهها اردوگاه دیگر در لبنان بوسیله خلق مسلح فلسطین و سازمانهای سیاسی آن - اداره میشد. این اردوگاهها که در بسیاری مبارزات قهرمانانه و نبردهای پیروزمندانه دلاوران فلسطین بر علیه نیروهای دست راستی و ارتجاعی لبنان در بخش

وسعی از خاک این کشور برپا شده و تحت اداره نیروهای انقلابی فرار داشت، چون خاری در چشم امیر بالیم، صهیونیسم و ارتجاع داخلی لبنان بود. وجود بیگ فلسطین قدرتمند و زرمنده نمیتوانست برای اینان قابل قبول باشد و از اینسرو توطئه و سرکوب آغاز گشت. از یکسوی کشورهای مرتجع عرب و در رأس آنها مصر و پاکستان، فراوان عربستان سعودی، سعی در تشکیل کنفرانس و کشاندن بعضی رهبران سازمانها را خلق فلسطین به پای میز مذاکره و به سازش کشاندن خلق داشتند و از سوی دیگر نیروهای دست راستی و مزدوران لبنان که به آنها فالانژ میگویند به کمک نیروهای ارتش سوریه، پایگاه سازمانهای انقلابی را که همان اردوگاههای خلق آواره فلسطین بود به زیر آتش میگرفتند. از سوی دیگر و سرکوب و از سوی دیگر سعی در مذاکره و فریب، این روش تمامی نیروهای ارتجاعی ضد انقلابی و جنایتکار در تمام جهان است.

در این میان اردوگاه تل زعفر نقش مهمی داشت. تل زعفر با ۴۰ هزار فلسطینی آواره با ۴۰ هزار زخمکش و کارگر فلسطینی بیش از همه در مقابل این توطئهها ایستادگی کرد. و سازمانهای انقلابی

فلسطین مهمترین عملیات خود را آنجا انجام میدادند. ساکنین تل زعفر اکثرآ از کارگران کارخانجات صنعتی دور و بر و زخمکشان و دهقانان بوده و از روحیه مبارزاتی بسیار خوبی برخوردار بودند. از همان آغاز جنگهای داخلی در لبنان در ۱۹۷۴، تل زعفر به محاصره اقتصادی افتاد و حتی مواد غذایی به سختی به اردوگاه وارد میشد. اما اولین کوششها برای محاصره و سرکوب نهایی این اردوگاه از ۲۴ فروردین ۱۳۵۵ (۱۴ آوریل ۱۹۷۶) آغاز شد. و شدیدترین حملات از ۲۲ ژوئن - اول تیر همان سال شروع گرفت. جنگ در این مدت شب و روز ادامه داشت و مزدوران فالانژیست با انواع سلاحهای آمریکایی و اسرائیلی و پشتیبانی و حمایت کثرت کشورهای مرتجع منطقه و از جمله رژیم شاهنشاهی ایران، در مقابل خلق قهرمان و مسلح فلسطین که تنها سلاح سبک در دست داشت قرار گرفتند. محاصره و نبرد ۵۶ روز ادامه یافت. ۵۶ روز ساکنان تل زعفر قهرمانانه پایداری کردند. زخمکشان فلسطین بعلت محاصره، غذایی اردوگاه، بعد از مدتی هیچ نوع غذایی جز عدس نداشتند.

هر چه مستحکم تر پادشاهی قهرمان ایران و فلسطین



آب مورد نیاز اردوگاه تنها از سرچاه آب تا مین میشد که رفتن بر سر آن خطر مرگ را برای رزمندگان در پیش داشت. تک تیراندازان مزدور به کسی اجازه نزدیک شدن به چاه را نمیدادند و بدست آوردن یک ظرف آب معادل دهها شهید بود. وسایل پزشکی در اردوگاه موجود نبود. و در چنین شرایطی ساکنین قهرمان تل زعفرین مقابل مزدوران فالانژیست مبارزه میکردند. سازمانهای آزادیبخش فلسطین مردم را سازماندهی میکردند، عدهای می جنگیدند، عدهای مواظبت از زخمی هارابه عهده داشتند، پیرزنان غذا درست میکردند، و تعدادی از معلمین و وظیفه روحیه بخشیدن به مردم سازماندهی سیاسی آنها را به عهده گرفتند. کسی بیکار نبود از کوچک و بزرگ و پسر و جوان علیه مرتجعین، علی بنه امپریالیسم و صهیونیسم می جنگیدند. اما دشمنان خلق فلسطین تنها مزدوران فالانژیست، صهیونیست ها و امپریالیست ها نبودند جنبش باصلاح محرومان لبنان، این سازمان ارتجاعی که با نام "امل" مشهور است از پشت به خلق فلسطین خنجر میزد. این گروه ارتجاعی که در حال حاضر بسیار مورد حمایت رژیم جمهوری اسلامی است و بسیار از آنها به گداران آن، همچون معطفی جرمان، یکی از جلادان خلق کرد، اینک در جمهوری اسلامی ما حاکم مقام هستند، در واقع تل زعفرین، ی نابودی انقلابیون و تصفیه حساب های سیاسی از هیچ جناحی فروگذار نکرد آنها در حالی که تل زعفرین بر شدیدی بین فشارهای مزدوران فالانژیست و عوامل صهیونیسم و امپریالیسم و دیگر نیروهای ارتجاعی و ضدانقلابی بودند، به تخلیه منطقه "نسه" که نزدیک تل زعفرین بود دست زدند تا دست آن مزدوران برای محاصره و سرکوب نبرد مقاومت جویا نسه "تل زعفرین" باز باشد. آنها با تخلیه آن منطقه تنها دروازه کمک رسانی به تل زعفرین را به نام پشتیبانی و نجات شیعیان محروم در اختیار دشمن خلق قرار دادند و تل زعفرین از همه طرف تحت محاصره قرار گرفت.

سرانجام در روز ۲۱ مرداد ۵۵ اردوگاه تل زعفرین نیروهای مزدور فالانژیست که در مقابل مبارزه قهرمانانه

ساکنین اردوگاه دیگر کاری از دستشان بر نمی آمد، سقوط کرد. آنها به نیروهای میانجی قول آتش بس دادند به نمایندگان طلیب سرخ جهانی قول دادند که ساکنین اردوگاه میتوانند از حلقه محاصره رد شوند اما زمانی که هزاران زن و کودک از بنا هگاه خارج شدند، جنايتکاران

اسرائیل شده ادا مه مبارزه و مقاومت خلق فلسطین است. رژیم های ارتجاعی منطقه کینه همواره از ترس رشد مبارزات خلق فلسطین خود را لایه در سرکوب میازات مسلحانه خلق فلسطین فعال بوده اند، بیگانه حمایت خلق فلسطین منطقه همواره در جهت

رژیم جمهوری اسلامی... مساله فلسطین را که پای امپریالیسم و صهیونیسم و تمامی رژیم های ارتجاعی منطقه و سیاستهای جنایتکارانه آنها را به میان میکشد، تنها درجه های مذهبی و ضدیهودی خلاصه کرده و در اغلب موارد حمایتهايشان به نیروهای ارتجاعی فلسطین و لبنان از جمله جنبش امل محدود شده است.

ان فاشیست و فالانژیست عام آنها را آغاز کردند هزاران زن و مرد و کودک زیر رگبار مسلسل های این مزدوران قرار گرفتند. آنان اردوگاه را متحاصر کرده و انتقام ۶۶ روز دلاوری و استقامت خلق و آشکار شدن ضعف و زبونی خود را در مقابل تیرد قهرمانان نگرفتند. هر کس را که به دستشان میرسید اعدام میکردند و دسته دسته مردم را با کاس میونها میبردند. سرانجام چند روز بعد، بولدورزها اردوگاه را با یکبار کینگ تبدیل کردند.

مقاومت خلق فلسطین در "تل زعفرین" با دادن ۵۵۵ شهید مجانبه شد. ۶۶ روز مقاومت و تل خلق قهرمان فلسطین ثابت کرد که توده ها در مقابل دشمن از هیچ چیز هراسی ندارند و ثابت کرد که در مقابل قهرمانی شود. هاد تنها را قمر جمعیت سرکوب است.

بعد از آن با وجود تسلط نیروهای مرتجع، فالانژیست ها و امل بر لبنان و علیرغم ادا مه جنگ داخلی، مبارزات خلق فلسطین در مقابل تمامی نیروهای مرتجع منطقه به اشکال دیگر ادا مه یافت. خلق فلسطین در زندان، در کوچه و خیابان و در دسته های کوچک مبارزه خود را تداوم بخشید. انفجار اماکن در سرزمین اشغال شده توسط دلاوران فلسطین و نبرد در اروپا صهیونیست ها و امپریالیست ها، علیرغم سازشکاری رهبران بعضی از سازمانهای انقلابی فلسطینی ادا مه یافت. و اینک اعتصاب غذای عدهای از دلاوران فلسطینی که منجر به شهادت دوشین از آنان و اعتصاب غذای تمامی زندانیان فلسطینی در

قریب آنها، تنها در حرف از خلق قهرمان فلسطین پشتیبانی نموده اند.

رژیم جمهوری اسلامی نیز که خود را حامی مستضعفان میپندارد، در حالیکه دستانتش به خون هزاران کارگر و زحمتکش انقلابی و کمونیست میهن ما آلوده است، برای خلق فلسطین دل میسوزاند. اما این دلسوزی نیز جز از موضع ضدانقلابی و وطنفاتی خودش، چیز دیگری نیست. آنها مساله فلسطین را که پای امپریالیسم و صهیونیسم و تمامی رژیم های ارتجاعی منطقه و سیاستهای جنایتکارانه آنها را به میان میکشد، تنها در جنبه های مذهبی و ضدیهودی خلاصه کرده و در اغلب موارد حمایتهايشان به نیروهای ارتجاعی فلسطین و لبنان از جمله جنبش امل محدود شده است. آنها در حالیکه تمام فلسطینیان در اشغال اسرائیل است چون دیگر کشورهای ارتجاعی منطقه تنها به بیت الحقیقت بس چسبیده اند و روز قدس را مظهر مبارزات خلق فلسطین می شناسند.

خلق فلسطین میدانند که در جریان مبارزه اش آنکه به او خیانت نمیکنند. آنکه تنها در حرف پشتیبان او نیستند آنکه تا به آخر با اوست نیروهای متحد خلق و سازمانهای انقلابی و کمونیست فلسطین است. اگر مبارزه چند سالی فروکش کند گرتل زعفرین خاک یکمان شود اگر رژیم های ارتجاعی منطقه کنیفر بس نیرنگ ها را نیز برای به انحراف کشاندن مبارزات آنها به کار بندند، خلق فلسطین زنده است و تا آزادی و رهایی خود از بس دستم و استعمار امپریالیستی و صهیونیستی مبارزه خواهد کرد.



● در روستای "گونان" حدود ۲۵ خانوار روستا بیسی مقدار ۲۰ هکتار زمین متعلق به یک مالک را در این منطقه پس خود تقسیم کرده اند سال قبل نیز روستائیان دست به همی کاز رفته بودند که با مقابله و شدت عمل با سداران روستا و کزدید دولتی آنها تا انتخاب و یکبار چکی، امسال سراجی این کار را انجام دادند.

● در روز ۲۳/۴/۵۹ در سعادت آباد (شهرستانی نرسیده به مرودست) این مردم و سیاه با سداران درگیری میسوه.

واقعه از این قرار بود که ۲ نفر از اهالی محل سعادت از زمین های "قوامی" یکی از قتلوالهای منطقه را در این سال گذشته از جهاد سازندگی

تحویل گرفته بودند که کمند م بکار بردن مقدار آن را آن راهم به جهاد سازندگی بدهند. در روز

۲۳ شرکت این افراد برای برداشت محصول به صحرای سیاه با سداران از بردن کمند

بد سعادت آباد جلوگیری میکند و به گنا ورزان میگوید باید کند مهار را به آرسنجان ببرید

و خودتان هم بروید تا هر جقدر حقان است بگیری بر این موضوع بحث درگیری میشود

و در نیر اندازی سناه جوانی بنام بدال الدیار محمدی کشته میشود.

عین همین واقعه در مورد دهقانان با سارگان (از توابع دشت مرغاب) اتفاق می افتد. حربه بالکائی که زمینهای با سراجی است کرده بودند، محصول لسان توسط جهاد سازندگی و سیاه با سداران توقیف

مکر دولتی درگیری گسزارش شده است.

● جریان ضدفدوالی شدیدی در مناطق دشت ارزن روستا های اطراف دازاب و میسنجی در حال شکل گیری است. در روزهای اطراف دازاب سواران های دهقانی موجود آمده است. یکی از این سوارها که از با یکاه خوبی نیز برخوردار است، سوارای هماهنگی روستاهاست.

● در تاریخ ۵/۷ حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر از دهقانان منطقه "برچلو" از نواحی اراک به استان داری آمده و دست به تظاهرات زدند.

جریان از این قرار بوده است که شخصی بنام شهبازی که نماینده یکی از سداران بزرگ فراری منطقه بوده است، در پی مبارزات دهقانان دستگیر شده و به اراک آورد.

● مسودولی در آنجا برانسر نفوذ و اقدامات شخصی بنام جعفری آزاد میشود. دهقانان که از این ماجرا مطلع میوند

● کارخانه شرویتی سران کمینه با کساری، یک کارگر مبارز را از این کارخانه اخراج میکند. کارگران مبارز کارخانه شروع به امساری کار فرما و کمند با کساری آنجا میکنند. کارگر مبارز اخراج شده هم، به در کارخانه می آید و بلاکاردی با اسن

مضمون را به کارگران نشان میدهد. "اگر راه زیستن را نیاموخته ام راه مردن را خوب آموخته ام. کارگران باید در مورد من تصمیم بگیرند"

عده ای از کارگران با دیدن همزم اخراجی خود به گریه می افتند. و در حالی که کمینه شان نسبت به دشمنان طبقه کارگر فلسفان را مسوز

بدیه این نامرد می هانطاره میکنند. در ساعت ۲ بعد از ظهر سیاه با سداران اورادستگیر

به شهر آمده و دست به تظاهرات میزنند. این حرکت نشان دهنده بی کیزی روستائیان در اجرای عدالت و نشان دهنده کینه آنها نسبت به سداران و عوامل مزدور آنهاست.

● احمد با دیکي از دهات دماوند است که حدود ۳۰۰ نفر جمعیت دارد. بیشتر زمین های این ده متعلق به دور میندار - احمد رسعی و محمد حسین رسعی - میباشد که از سسبانیان رزم ساسی بوده و در زمان مبارزات خلق ما در سالهای ۵۷ - ۵۶ ماض راه پیمایی گنا ورزان شدند. دور در تمام آن سالها از هیچ ادبیت و آزادی نسبت به گنا و رزان فروگذاشت نمیگردند.

بعد از فرام این زالوها تحت حمایت حکومت همجان به اذیت و آزار و بهره کشی هر چه بیشتر از گنا ورزان پرداختند. زمینشان احمد با دیکي را به سداران مری و سیاه با سداران سراجی داده و از آنجا خواستند تا در گرفتن زمین های این زمین داران سدا و گنا ورزان کمک نمایند. اما سدارها بعد از مدتی که سدا و گنا ورزان زمینها را

از زمینها خود داری می نمایند. سرکار است.

● در توت آهن اصفهان که ماه گذشته ۲۵۰۰ تومان از حق مسکن کاسه نده بوده است اعتراض کنشی کارگران و سدا سنا به اصحاب آن اس ما دو ساره همان ۵۰۰ تومان منظور کامل پرداخت شده است.

● در اراک توکلی یکی از سرمایه داران معروف شهر که قبلا به معادله اموال محکوم شده بود، اینک نه تنها از اموال او رفع معادله نشده است بلکه ۲۵ میلیون تومان سزا از دولت وام گرفته است. بقیه در صفحه ۸

کرده و تکمیل هر دو بیت میر ولی برابر اربابا کربهای کارگران و نیروهای انقلابی سب هما سرور او آزاد میکنند. بد خص کارگران همزم مس مقدار پول برای او جمع میکنند تا یک فالوده فروشی باز کند و محاربتش را تا مین نماید.

اگر چه متاثر شدن و گریه کردن کارگران و همینطور پول جمع کردن برای ایجاد فالوده فروشی نشان دهنده همبستگی کارگران است، و نشان میدهد که تنها این کارگران هستند که واقعا به فکر کارگران هستند ولی با سد دانست که تنها راه مقابله با اقدامات ضدگاردی کار فرما

شان در مورد اخراج کارگران ساره بیگسر برای بازگرداندن کارگران اخراجی به

کرده و تکمیل هر دو بیت میر ولی برابر اربابا کربهای کارگران و نیروهای انقلابی سب هما سرور او آزاد میکنند. بد خص کارگران همزم مس مقدار پول برای او جمع میکنند تا یک فالوده فروشی باز کند و محاربتش را تا مین نماید.

اگر چه متاثر شدن و گریه کردن کارگران و همینطور پول جمع کردن برای ایجاد فالوده فروشی نشان دهنده همبستگی کارگران است، و نشان میدهد که تنها این کارگران هستند که واقعا به فکر کارگران هستند ولی با سد دانست که تنها راه مقابله با اقدامات ضدگاردی کار فرما

شان در مورد اخراج کارگران ساره بیگسر برای بازگرداندن کارگران اخراجی به

مردم گفتند این زمینها حق آنهاست و آنها با این زمینها را داغنه باشند.

اخیرا کشاورزان مسود استین ها را بالا رفته و با قصد ربیعی را دستگیر و تحویل سدا با سداران میدهند و زمینها را نیز زمین خود تقسیم میکنند. محمد حسین ربیعی از ترس خم کشاورزان شانه فرار را بر فرار ترجیح داده و دیگر رفته آفتابیی نمیسودولی بعد از چند روز یکی از قلمیلهای سردیکن را به ده منفرستند تا زمین ها را پس بگیرد. گنا و رزان با او درگیر شده و حاربیه پس دادن حق خود نمیخواستند. او نیز با کلنگ یکی از روستا نشان را به قتل رسانده

مزارت میکنند. بعد از این واقعه روستائیان نشان دسته جمعی به زاندار مری رفته و خواهان دستگیری قاتل کشاورز شهید میشوند. بعد از ۱۵ روز نایع مشودک سیاه با سداران میخواهد خمد ربیعی را آزاد کند. روستائیان با شنیدن این حرف دسته جمعی به طرف ساختمان سیاه با سداران رفته و میگویند گسزار و آزاد کنید خود مسان او را میکشیم. اینک از خمتنگسان روستان احمد با دیکي مبارزه متحدانه خود مانع آزادی زمین دار شده و از پس دادن زمینها خود داری می نمایند.

● در توت آهن اصفهان که ماه گذشته ۲۵۰۰ تومان از حق مسکن کاسه نده بوده است اعتراض کنشی کارگران و سدا سنا به اصحاب آن اس ما دو ساره همان ۵۰۰ تومان منظور کامل پرداخت شده است.

● در اراک توکلی یکی از سرمایه داران معروف شهر که قبلا به معادله اموال محکوم شده بود، اینک نه تنها از اموال او رفع معادله نشده است بلکه ۲۵ میلیون تومان سزا از دولت وام گرفته است. بقیه در صفحه ۸

کرده و تکمیل هر دو بیت میر ولی برابر اربابا کربهای کارگران و نیروهای انقلابی سب هما سرور او آزاد میکنند. بد خص کارگران همزم مس مقدار پول برای او جمع میکنند تا یک فالوده فروشی باز کند و محاربتش را تا مین نماید.

اگر چه متاثر شدن و گریه کردن کارگران و همینطور پول جمع کردن برای ایجاد فالوده فروشی نشان دهنده همبستگی کارگران است، و نشان میدهد که تنها این کارگران هستند که واقعا به فکر کارگران هستند ولی با سد دانست که تنها راه مقابله با اقدامات ضدگاردی کار فرما

شان در مورد اخراج کارگران ساره بیگسر برای بازگرداندن کارگران اخراجی به

کرده و تکمیل هر دو بیت میر ولی برابر اربابا کربهای کارگران و نیروهای انقلابی سب هما سرور او آزاد میکنند. بد خص کارگران همزم مس مقدار پول برای او جمع میکنند تا یک فالوده فروشی باز کند و محاربتش را تا مین نماید.

اگر چه متاثر شدن و گریه کردن کارگران و همینطور پول جمع کردن برای ایجاد فالوده فروشی نشان دهنده همبستگی کارگران است، و نشان میدهد که تنها این کارگران هستند که واقعا به فکر کارگران هستند ولی با سد دانست که تنها راه مقابله با اقدامات ضدگاردی کار فرما

شان در مورد اخراج کارگران ساره بیگسر برای بازگرداندن کارگران اخراجی به

کرده و تکمیل هر دو بیت میر ولی برابر اربابا کربهای کارگران و نیروهای انقلابی سب هما سرور او آزاد میکنند. بد خص کارگران همزم مس مقدار پول برای او جمع میکنند تا یک فالوده فروشی باز کند و محاربتش را تا مین نماید.

اگر چه متاثر شدن و گریه کردن کارگران و همینطور پول جمع کردن برای ایجاد فالوده فروشی نشان دهنده همبستگی کارگران است، و نشان میدهد که تنها این کارگران هستند که واقعا به فکر کارگران هستند ولی با سد دانست که تنها راه مقابله با اقدامات ضدگاردی کار فرما



کرده و تکمیل هر دو بیت میر ولی برابر اربابا کربهای کارگران و نیروهای انقلابی سب هما سرور او آزاد میکنند. بد خص کارگران همزم مس مقدار پول برای او جمع میکنند تا یک فالوده فروشی باز کند و محاربتش را تا مین نماید.

**بقیه از صفحه ۱۰**  
 از استعمار سرمایه داری و پیش برد موفقیت آمیز مبارزات خود به آگاهی طبقاتی نیاز دارند. آگاهی طبقاتی به کارگران کمک میکند که ماهیت استثمارگرانه و ضد انقلابی رژیم های سرمایه داری را در هر شکل و فرم آن بشناسند. دولت و دشمن طبقاتی خود را به خوبی تشخیص دهند. و از آن مهمتر آگاهی طبقاتی، به کارگران کمک میکند که راه درست مبارزه را بیابند. چگونه تغییر نظام استثمارگرانه سرمایه داری را یاد بگیرند و بدانند برای این مبارزه به چه تشکیلاتی نیاز دارند و چگونه باید با سلاح تشکیلات، مبارزات خود را تانایوی نظام سرمایه داری گسترده سازند. و هدایت نمایند. روشن است که این آگاهی طبقاتی کارگران مستقیماً در مقابل و سر ضد منافع کارفرمایان و دولت حامی آنهاست و منافع آنها را به خطر می اندازد و با به های حکومت جباول کراسه و زورگویانه سرمایه داران و دولت سرمایه داری را متزلزل میگرداند. به دلیل همین نتکار فرمایان و دولت، از آگاه شدن کارگران است که آنها دست به اخراج کارگران مبارز و کمونیست میزنند. چرا که مبارزات کارگران آگاه و کمونیست در آگسها نمودن کارگران نقش بسزای جسته ای دارد. کار فرمایان رژیم جمهوری اسلامی بلافاصله بعد از قیام بنا تبلیغات زهر آکن و انواع توطئه ها سعی نمودند بین کارگران مبارز و کمونیست و توده های کارگر جدایی بیاندازند. اما هر چه زمان میگذرد دنیا ستهای عوام فریبانه و توطئه های آنها بیشترین اثر گردیدند.

و بیوند و نزدیکی بین کارگران مبارز و کمونیست و پیوندهای کارگر و خود می آید.

کارگران روشن گردیده است. کارگران در زندگی روزمره خود می بینند که آنان رژیم ستمشاهی در جهت بر آوردن



نیازهای اساسی آنها بر نمی دارد بلکه با اقدامات ضد کارگری خود هر روز بیشتر به کارگران و سایر جمعگشان فشار وارد می آورد. کارگران می بینند که رژیم جمهوری اسلامی بیار اصلی گرانی، کمبود کالاها، سیکاری و... را به طور عمدیه دوش آنها می اندازد. اضافه دستمزدها ۱۴۸۵ ریال امسال در مقابل بیش از ۶۰٪ تورم و

ویژگی کمونی جاسعه مسئله اخراج کارگران مبارز و کمونیست؛ بخش عظیمی از کارگران تا چند ماه پیش به رژیم جمهوری اسلامی اعتماد داشتند و آنرا مردمی و در جهت منافع خود میدانند. ولی به مرور زمان، با مشاهده اقدامات سیاسی ستهای رژیم هر چه بیشتر ماهیت ضد کارگری آن برای

گرانی کالاها، مخالفت با شورا های واقعی در کارخانه ها، حفظ توانی مبارز کارگری آریا مهزی، لغو و دست بردار کارگران، اقبال و سستی و ناتوانی دولت در حل مشکل سیکاری، اخراج و سبب کارگران و بویژه کارگران مبارز و آگاه همه و همه ماهیت رژیم را هر چه بیشتر برای کارگران روشن نموده است. در این شرایط است که کارگران در مبارزه رودر رو با کارفرمایان و دولت حامی آنها قرار گرفته اند. در این میان و با توجه به کم اثر شدن سیاستهای فریب کارانه رژیم در سنگت نمودن کارگران و خاموشی با سخن مبارزات آنها، سیاست سرکوب آشکار کارگران در دستور کار رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

اخراج گسترده کارگران مبارز و کمونیست بخشی از سیاست سرکوب آشکار کارگران است. در شرایط ویژه کمونیستی در شرایط رسد و عملیاتی مبارزات کارگران اریکسو و سرکوب آشکار همه جا به رژیم جمهوری اسلامی ارسوی دیگر وجود، نقش و طایف کارگران مبارز و کمونیست برای آگاه نمودن سازماندهی و هدایت مبارزات کارگران، رادهاها برای حواس ترو تعیین کننده ترمی نماید. در چنین شرایطی رعایت مسائل و نکات زیر از طرف کارگران انقلابی و کمونیست ضروری می بینیم:

**۱- جدانیتان از توده ها:**

این درست است که کارگران انقلابی و کمونیست به عنوان پیشروان آگاه همواره



در پیشا پیش مبارزات کارگران حرکت نمایند، ولی پیشرو بودن به معنی فاصله گرفتن و جدا شدن از توده ها نیست. باید توجه داشت که مبارزه امر توده ها است. تلاش و کوشش پیشروان آگاه طبقه کارگر با پدید آمدن که مبارزه درگیر نیست،

در جهت جلب نمودن توده های کارگر به مبارزه و آزمان کنه درگیر مبارزه میشوند، هدایت و ارتقاء مبارزاتی آنها در همه حال پیوند دادن آگاهی سوسیالیستی با مبارزات کارگران باشد. مبارزه کارگران با کارفرمایان و دولت قانون مندی ای دارد و از ساده به پیچیده رشد و ارتقاء میابد. هر حرکت مبارزاتی کارگران بر اساس یک زمینه عینی و مادی و آمادگی لازم در توده ها صورت میگیرد. در شرایطی که توده ها زمینه عینی و آمادگی لازم را ندارند، کوشش برای راه انداختن یک حرکت مبارزاتی، و یا وقتی یک حرکت

کت خود بخودی اعتراضی درمی گیرد، چشم بسته در جهت توسعه و گسترش آن بیک تازی کردن، بدون توجه به انگیزه های کارگران، آمادگی آنها برای ادامه مبارزه، بر آورد و پیش بینی چگونگی برخورد کارفرما و دولت و... مسلماً به جدا افتادن کارگران پیشرو از توده ها منجر خواهد گردید، و به محض یورش کارفرما و حاکمان او چه به صورت یورش سرکوبگرانه و به کمک پاسداران و چه یورش تبلیغاتی و فریب کارانه به سرعت توده ها عقب خواهند نشست و دست کار

فرما و دولت برای جدا کردن کارگران مبارز و کمونیست و اخراج آنها با زخواهدمانند. در شرایط کنونی این مسئله اهمیت خاصی می یابد چرا که بعطت نبودن زمینه برای

● طبقه کارگر برای رهایی یافتن از استثمار سرمایه داری و پیشبرد موفقیت آمیز مبارزات خود به آگاهی طبقاتی نیاز دارد.

کارگران اخراجی و تهدید کارگران به اخراج، آنها را بشدت نگران و تا حدودی رو- حیه محافظه کارانه به آنها میدهد. در بعضی از مبارزات کارگران دیده شده که بدنبال یک مبارزه کارگری که منجر به اخراج کارگران پیشرو گردیده است، توده ها آمادگی لازم برای دست زدن به یک مبارزه فعال و همه جانبه را برای بر گرداندن کارگران اخراجی به سرکار رانداشته اند.

نباید فقط به وضعیت آمادگی پیشروان توجه داشت و برپا به آن مبارزه را سازماندهی و هدایت و گسترش داد، بلکه مهمتر آنست که به توده های میانی و عقب مانده توجه شود. به هیچ وجه نباید بین پیشروان و توده ها فاصله بیافتد. و هر گاه چنین حالتی پیش آید یا یعنی بلافاصله تا کشتک مبارزه را تغییر داد.

گشناختن و پیش بینی برخوردها و تاکتیک های کارفرما و دولت

در هر مبارزه ای

علاوه بر شناخت وضعیت نیروها ی خود باید به وضعیت نیروهای دشمن هم توجه داشت. کارگران پیشرو باید قادر باشند سیاست و تاکتیک کارفرما را در بر خود به حرکت های مبارزاتی کارگران بر آورد نمایند. و برای هر کدام طرح و نقشه ای خنثی کننده داشته باشند. وقتی که مشخص است، در ادامه یک حرکت پاسداران مداخله خواهند کرد و وقتی مشخص است که کارگر آمادگی مقابله با دخالت مسلحانه پاسداران را ندارند باید برای پیشروی مبارزه و یا عقب نشینی منظم آن قبیل از دخالت مسلحانه پاسداران برنا به روشن و مشخصی داشت. تا در برابر یورش و سیاست های کارفرمایان و حاکمان او غافلگیر نشد.

گشناختن درست کار عملی و مخفی و تقسیم کار

باید بین فعالیت علنی و مخفی رابطه ای صحیح برقرار باشد. کسانی که شناخته شده اند و علنی کار میکنند، دیگر به

● باید برای پیشروی مبارزه و عقب نشینی منظم آن، بر- با به روشن و مشخصی داشت.

کارهایی چون پخش اعلامیه و نشریه نیردازند. تمام کارگران مبارز و پیشرو و بطور همزمان علنی نشوند. باید در هر کارخانه ای هسته های مخفی پخش بوجود آید که عموماً کارشان پخش باشد تا بقیه کارگران مبارز و پیشرو به خا- طرداشتن، یا پخش یک اعلامیه و نشریه دستگیر و اخراج نشوند.

۴ ایجاد صندوق تعاونی (نیمه علنی - نیمه مخفی)

برای کمک به کارگران اخراجی، ایجاد اطمینان و بالابردن روحیه کارگران درسی گیری امر مبارزه و مقابله با تهدید های کارفرما باید صندوق های تعاونی تشکیل داد. این صندوقها نباید آن چنان علنی باشد که کارفرما و مزدوران او از همه چیز آن با خبر باشند (بخصوص محل و چگونگی نگهداری پول). این صندوقها نباید آن چنان مخفی باشد که از دسترس توده های وسیع خارج باشد.

شکارگران مبارز را خراجی باید روابطشان را با کارخانه حفظ کنند.

کارگران مبارز و کمونیست در صورت اخراج شدن باید روابط خود را با کارگران پیشرو و حتی توده های کارگر حفظ نمایند تا تا از این طریق، بتوانند در بالا بردن آگاهی کارگران، هدایت مبارزات از پیشروان تا شبرون نقش داشته باشند.

هر اخراج کارگران مبارز و کمونیست باید از یک طرف تبدیل به عرصه تبلیغات و افشاکاری علیه کارفرما و حاکمان او و از طرف دیگر تلاش و مبارزه گسترده برای بازگرداندن کارگران اخراجی اجی گردد. کارگران اخراجی باید مرتب به جلو کارخانه بیایند تا تجربه نشان داده که

برقرار باد جمعه وری دمگراتیک خلق!

بقیه از صفحه ۵

# اخبار کوتاه

نیست، به اداره آب رفتند و دست به تحن و نظا هرات زدند. مسئولین طبق معمول به آنها وعده دادند.

• ده نفر از عناصر مترقی و چپ و عضو شورای کارخانه چوکا در کیلان اخراج شدند.

• طبق اخبار موشق رسیده،

عوامل مزدور رژیم، در شهرهای مختلف، برای درهم شکستن سازمانهای انقلابی، علاوه بر تعقیب، دستگیری و شکنجه، برای نفوذ در این سازمانها نیز نقشه میکشند. از جمله در اراک، با ندجماقداران خوا - نساری نماینده امام در این شهر، زیر پوشش مکتب قرآن و اسامی دیگری از این قبیل فعالیت کرده و از طریق ایجاد دوستی با هواداران گروههای انقلابی و مخالفت ظاهری با اعمال ضد مردمی رژیم، اقدام به شناسایی اعضا و هواداران گروهها میکنند.

## • در کرمانشاه:

در چند مورد با سداران خانه نیروهای انقلابی و مبارزان حمله نموده اند. در دوم مرداد ساعت ۱۱ شب تعداد ۱۲ سدار مسلح به یک خانه در خیابان شاهپور حمله میکنند. با سداران مسلح پشت بام و سر کچه را محاصره کرده چند نفر وارد خانه میشوند. تفتیش خانه منظم و به شیوه ساواک بوده است. چیزی پیدا نمیکنند و تنها جوان ۱۷ ساله ای را با خود به سیاه میبرند. او چند عکس و یک تمپه از او میگیرند که دیگر علیه جمهوری اسلامی اقدامی نکنند. این جوان در جریان قیام بهمن شرکت فعال داشته و بعد از قیام هم فعال بوده است. برادر او نیز عضو مبارز و فعالی بوده است. در هفته آخر تیرماه تعداد ۸ پاسدار به خانه یکسانی از انقلابیون در پیل چوبی کرمانشاه هجوم میبرند و ۲ الی ۳ نفر را دستگیر میکنند.

## • روز سه شنبه ۱۷ تیر ماه:

عده ای از زنان زحمتکش شهرستان ملایر در اعتراض به نبود آب و اینکه نذنهاست بول برای لوله کشی از آنها گرفته اند اما از آب خبری

# توطئه کارفرمایان برای اخراج کارگران مبارز کارخانه دیسمان!



به دنبال اشغال انقلابی کارخانه دیسمان اصفهان و درهم شکستن توطئه کارفرمایان برای تعطیل شرکت، اکنون کارفرمایان حیلہ جدیدی دست زده است. توطئه ای که در حال حاضر در دست اقدام است. دست گرفتن کنترل و نظارت بر تولید در کارخانه دیسمان، از سوی کارفرمایان تدارک دیده شده است. اخراج کارگران رزواگاه کارخانه میباشد.

عوامل کارفرما در هفته آخر تیر با استفاده از اعتقادات مذهبی کارگران و فرارسیدن ماه رمضان، ۵ تن از کارگران مبارز را به عنوان خرابکار و اغلالگرو با این اتهام کشته میخواهند که کارخانه را به تعطیل بکشند. از کارخانه اخراج کردند.

این توطئه از طرف کسانی چون کیایی (ناجناق رئیس کارخانه) و خزایی (کارگری که اینک معاون تولید شده است) بدری (یکی دیگر از اقوام نزدیک خزایی)، فریدینی (مزدوری که یکی از منخرات بنکین شرکت در حک ظفا رو کشتار انقلابی بوده است)، و ناگمک سیاه با سداران انقلاب اسلامی اصفهان انجام گرفته است.

این عوامل مزدور و ضدکارگری تن از ساندگان مبارز کارگران را که از حقوق حقه آنها دفاع کرده اند، اخراج کرده و اکنون لیست دیگری نیز به همین منظور تهیه کرده اند. کارفرمایان در با اخراج این کارگران مبارز و آگاه، زمینه را برای تعطیل کل کارخانه در هم شکستن شورای واقعی آنها و اخراج تمامی کارگران فراهم کند. بخیا ال اینکه ما این کار را تا حد و شکل رزمنده، کارگران را در هم شکست و توطئه های کارفرمایان چنین نقش تراتب نگردد.

اما این بار نیز هم کارگران خرابکار که ارتباط خویش را با بقیه کارگران حفظ خواهند کرد و هم کارگران مبارز مشغول بکار با همبستگی و مقاومت و افسای این اعمال ضدکارگری در مقابل این توطئه ایستادگی خواهند کرد و پوزنه کارفرمایان میان آنها را خاک خواهند مالید.

## از اخراج

دادن اعلامیه و تراکت هلی تبلیغی و تهییجی و آگاه گرانه، کارگران را به حمایت فعال از همزمان اخراجی خود جلب نمایند.

در پایان، تذکراتی مسئله لازم است که بدون وجود پیشک تشکیلات مخفی در کارخانه که بتوانند پایداری و ادامه کاری امر مبارزه را تضمین کند و هدایت نماید، مبارزات کارگران به نتیجه نخواهد رسید. در مقالاتی دیگر به این مسئله خواهیم پرداخت.

دیدن کارگران اخراجی در توده های کارگر شدیداً تأثیر گذارده و احساس همبستگی و حمایت از آنها را برانگیخته است. بخصوص کارگران اخراجی با بدبا صحبت کردن، سخنانی کردن (هنگام ورود و خروج کارگران از کارخانه) و یا به داخل سرویس کارگران رفتن، حمایت فعال کارگران را جلب نمایند. کارگران مبارز و پیشرو داخل کارخانه هم باید در این زمینه فعالانه تلاش و کوشش نمایند. و از طریق

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

واقعه سفارت و تحریم اقتصادی و بخصوص سلب مسائلات  
حکومت مبنی بر اینکه رژیم در حط است و امیرالایم آمریکا به ایران  
نجا خواهد کرد برهوم کارگران دامن زد. کارگران در خانه  
لیکه فشار رسیدگی، دستمزد کم، کرایه و قیمت های گزاف اجاره  
خانه، کمربان را بکسته بود، خواسته های خویش را بقمند پیروز ی  
آرمان هایشان در بخاک مالاندن بوزه، امیرالایم، فراموش  
کرده بودند و این وضع سبب شد که کارگران البرز تا پیش از نوروز  
۵۹ با شدیدترین وجهی تولید کنند و سطح آبراه رقمی بمراتب  
بالا تر از پیش ارقام برسانند.

ولی واقعات سرسختند. کارگران کارخانه البرز نیز،  
همچون بخش عظیمی از طبقه کارگر قهرمان ایران، در عرصه های  
مختلف کارورسیدگی خویش، رفته رفته به درک واضح تری از آنچه  
در سیرامونسان میگذشت نائل آمدند و نیکست توهم آغاز شد.  
کارگران البرز بویژه در سنگر کارخانه هر روز نا هدا آن بودند که  
حکومت مدبران دولتی و درکنار آنها سرمایه دار فرانسوی (کسه  
چهل درصد سهام کارخانه هنوز هم بدانان تعلق دارد) شیر  
جانسان را می مکند و با فروش دسترنج آنان به زحمتکشان این  
مردم بوم، با قیمت های کمترکن و شروت های کلانی به جیب میزنند  
و حتی از آن نیز به کشورهای امپریالیستی روانه میکنند.  
چنین شد که بتدریج تصویر حاکمیت سرمایه و واقعیت استثمار  
در ادهان پاکشان شکل گرفت و جان یافت. اینک جرقه ای  
لازم بود تا آتش به خرمن این کینه های انباشته راه یابد!

نگاهی به  
مبارزه  
کارگران  
دلوار  
کارخانه  
البرز:

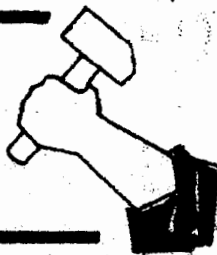


## چگونه فولاد آبدیده میشود؟

بفصل از صفحه ۱۰  
مدکارگری حکومت حامی سرمایه را بر ملا میکند، به صراحت کم  
نظیری نشان میدهد، آنچه که در این میان، وقایع کارخانه  
البرز را به نموده، مناسبی برای بررسی دقیق تر آن تبدیل  
مکنند، وجود این واقعات است که این کارخانه در دوران بعد از  
قیام همواره فضایی کاملاً سیاسی داشته است.

کارگران کارخانه البرز در دوران قیام وسیعاً در مسارات  
منه مانانانه زحمتکشان ایران حضور فعال داشته و از آنجا که  
آرمان های خود را بوسیله، وهیری انقلاب قابل حصول میپندار  
شوند پس از فروری پایهای ظالمانه، سلطنت پهلوی، حکو  
مت جدید را حاصل قیام خود دانستند. کارگران که جان پسر  
کف در صحنه های سردخیابانی برای سرنوشتی رژیم شاد جنگیده  
بودند و در اغلب موارد در صف مقدم سنگرهای خیابانی میبرز میدند  
دولت بقدرت رسیده را شمرحانازی های خود پیداشتند و حما  
یت شدید از آن دست زدند. اما همانطور که میدانیم، حکومت جدید  
چهارا بیدیه مثنی سیرفت که توهم کارگران و زحمتکشان کمتر  
بین قرابت و همسویی با آن نداشت. کارگران کارخانه البرز  
همچون بخش عظیمی از طبقه کارگر ایران، اطمینان به حکومت  
موجود را با کسبه به نظام سرمایه داری بیوند زدند. کارگران  
البرز بدلیل نا آگاهی نسبت به ماهیت حکومت، تصور میکردند  
که این دولت میتواند سرمایه داری را از بین ببرد و با دولتی  
بدن کارخانه هر چه بیشتر توهم کارگران افزوده گشت. بوهوم  
و اعتماد به دولت به حدی بود که کارگران در مرداد ۵۸ فعالیت  
ار عملیات سرکوبگرانه و صدامعلایی دولت در کردستان حماسه  
سنگ زدند.

### آزهر جرقه حریق برمی خیزد!



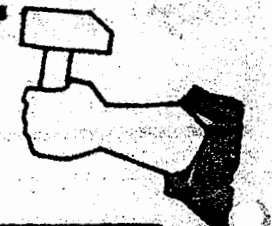
زمانیکه کارگران دریا فتند که هیئت مدیره دولتی بسیاری  
بنا شد. مهران سودویزه، به حسابداری، دوازه هزار تومان رس  
داده است ما سودویزه را مطابق میل آنان تنظیم کند، ولوله ای  
در میان کارگران افتاد و خواسته های کارگران شکل گرفت. در  
آخرب این تحاشات شورا، کارگران مصرانه ارسا بندگانشان خوا  
ستند تا ما جای رشوه، دوازه هزار تومانی را بدقت دنبال کنند  
و شورای جدید که ترکیب نا همگونی داشت و اعمای آن از عناصر  
مهرتی و صدمرما به دارولی نا آگاه و نیراز افراد سازشکار و  
حتی یک نفر سرمایه بده، کارفرما تشکیل شده بود شروع به کار کرد.  
ار همان روزهای اول بین نمایندگان شورا با هیئت  
مدیر و سرمایه بده دولت، بپرسا اختیارات شورا درگیری آغاز شد  
همچنین، احضار بپرس مفهوم کلمه، "پاکسازی" بوضوح عیان  
شود. کارگران میخواستند رشوه دهندگان دوازه هزار تومانی  
ببزه کمربندگان و عناصر صفت خور را پاک سازی کنند ولی هیئت  
مدیر تمام خواستش بدنبال کارگران آگاه و مبارز و احراج  
آنهاست. کمی بعد بدنبال بالا رفتن دستمزد بپرس ۱۵۸ ریال  
موقتی از اعراض در میان کارگران بلند میشود. آنها که بدلیل  
بوهمان نسبت به مبارزات صدامپریالیستی حکومت، بارها



بر شدت کار افزوده بودند و در مواردی مانع کم کنساری یکدیگر میشدند، اینها بصورت یکپارچه دست به کم کاری میزدند. آنها میخواهند که افزایش دستمزد با توجه به میزان تولید و میزان گرانی روز افزون تعیین شود. اینبار دیگر سخنرانی های نما بینده، دولت مبنی بر لزوم تولید بیشتر و خطر محاصره اقتصادی، کمترین اثر بر کارگران نداشت و حتی تهدید به تعطیل کارخانه هم بر کارگران اثری نمیگذارد. کارگران، گماشتن هیئت مدیره سرسپرده سرمایه داران را بی چشم می بینند، آنان باقی ماندن سهام فرانسوی و مدیر فرانسوی در کارخانه را می بینند، آنان بخوبی شاهد هستند در حالیکه بنی مدرن گرانفر و رابیش از ۵۰٪ ارزیابی میکند، فقط ۱۰۸ ریال یعنی ۱۲٪ به حقوق کارگران اضافه میکنند. واقعیات تلخ زندگی زحمتکشان، به سرعت توهم و اعتماد به دولت سرمایه داری را از میان خواهد برد.

شورا و هیئت مدیره وارد مبارزه میشوند. مساله اضافه مزد از یکسو و میزان قدرت شورا از سوی دیگر، موضوع های بی هستند که آتش مبارزه را شعله ورتر میکند. در این میان، گودرزی معاون نماینده دولت در کارخانه، با توهمین کردن به یکی از نمایندگان شورا، آتش خشم کارگران را به همه جا میگستراند. اخراج گودرزی بصورت خواست درجه اول کارگران درمی آید. کارگران بلافاصله اجماع جمع کرده و طوماری بر علیه گودرزی تهیه میکنند و به دیوارهای کارخانه میچسبانند. نماینده دولت که موقعیت معاون خود را در خطر می بیند به تنگنا پومیا فتند و طومارها را از روی دیوارها پاره میکنند و برای جلوگیری از اخراج گودرزی، مقابل کارگران میایستد.

## کارگران اداره کارخانه را بدست توانای خود می گیرند!



صبح فردا (۲۸ خرداد) کارگران شیفت شب به کارگران شیفت صبح می پیوندند و به دعوت نماینده کارگران، برای تصمیم گیری و اخراج گودرزی جمع میشوند. نماینده شورا به کارگران اطمینان میدهد که نه فقط گودرزی، بلکه تمام عناصر ضدکارگر کارخانه اخراج خواهند شد. کارگران خشمگین، از نمایندگان جلوتر میروند و اخراج گودرزی را در همان لحظه از شورا میخواهند. اما شورا کمی تخفیف میدهد و اینکار را به ساعت ۸ موکول میکند. نمایندگان دولت سرمایه داری ترسان از خشم کارگران در دفترهایشان جمع میشوند و در ساعت ۸ صبح ترسان و لرزان کارخانه را ترک میکنند.

کارگران که نیمبرانه منتظر اینکار بودند، با اراده پولادین و با باروان توانای خود، کارخانه را از اینباربدون وجود سرمایه داران مفت خور - بکار می اندازند. شورا اعلام میکند که کارگران به تولید خود ادامه دهند. اما از خروج کالا به خارج خودداری میشود. آری! کارخانه به دست توانای کارگران

تسخیر میشود. اینک شوق و شور پرشکوهی، فضای کارخانه را لبریز کرده است. کارگران قهرمان البرز، بسرعت نظم کارگری را جایگزین نظم سرمایه داران میکنند. برای حفاظت از کارخانه نگهبانان داوطلب انتخاب میشوند با هیئتی جلیسوی توطئه های سرمایه داران را بگیرند. همه به هم تبریک میگویند و تولید با علاقه آغاز میشود. هرگز تمام نیروی خود را در خدمت

**در شرایطی که مبارزه طبقاتی در کارخانه خا دمیشود، کارکنان کارخانه چاره ای ندارند جز آنکه در مقابل این صف آراییی موضع خود را روشن کنند. کارمندان گه همواره جیره خوا رکار فرما هستند در چنین مواقعی به صف سرمایه داران می پیوندند و وحشت خود را از حاکمیت کارگران نشان میدهند.**

جمع میگذارد. آنروز، خبری میگذشت که به هر وسیله شده نظم کارخانه را به هم بزنند. او تلفنی از سرپرست ها میخواهد که به دفتر مرکزی بروند. اما کارگران اجازه نمیدهند. نماینده امپریالیست های فرانسوی که تا آن روز خود را به موش مردگی زد بود اینک وحشت زده با پیش تیغ دارو کارگران را تهدید میکند. او میگوید اگر کارخانه به وسیله کارگران اداره شود، و به اربابان فرانسوی خود اطلاع خواهد داد که از فرستادن مواد اولیه خودداری شود. سرمایه داران سراسر جهان متحدند! اما در مقابل اتحاد کارگر هیچ غلطی نمیتوانستند بکنند!

علاوه بر این اتفاقات کارمندان حساب داری هم به عنوان اعتراض به اخراج گودرزی - و در واقع از وحشت عدالت کاری که آنها را به عقوبت رشوه خواری و دزدی برساند دست بردارند. اعتبار میزنند! کارگران که از این وضع عصبانی شده بودند به آنها پیغام میدهند که هر چه زود تر به سرکارها بپتان برگردید و یا همین حالا گورتان را گم کنید تا کارگران با سواد بجای شما کارهای حساب داری را انجام دهند.

کارگران با تکیه به نظم بولادینشان و با پشتگرمی نسبت به اتحاد شکستنا پذیرشان، کمترین وا همی از این توطئه های بی درپی و کثیف نشان نمیدهند. آنها وقتی متوجه میشوند که اعمال ضدکاری حساب داران، بخشی از حیلله های زنبیلانه سرمایه داران است، بسرعت دست به کار میشوند تا یک صندوق اعتماد درست کنند. اینبار نیز کارگران قهرمان البرز گوشه ای از فدای کاری کارگری و آزاده، خلل نا پذیر کارگران را نشان داده، بار دیگر ثابت میکنند که وقتی کارگران متحد باشند جها نرا به زانو در خواهند آورد. هر کس هر چه در پول پس انداز کرده است می آورد تا صندوق را پر کنند. یک کارگوزن زحمتکش، که نتیجه پسانداز سالها زحمت و رنج خود را ذره ذره جمع کرده است تا شاید روزی بتواند به مکه برود، پنجاه هزار تومن پس اند







از شماره یک عمر محنت و رنج خود را با ایناری که فقط از یک کارگر محنتکش برمی آید به صندوق می پردازد، سرعت صد و پنجاه هزار تومان جمع میشود تا کارگران از این لحاظ هم دغدغه ای نداشته باشند.

اولین روز تسخیر انقلابی کارخانه با موفقیت به پایان میرسد. روز دوم، کارگران با استیفا بیشتری بکار میپردازند، بطوریکه تولید نسبت به روزهای قبل بالا می رود. کارگران مواظب همه چیز هستند. آنها میکوشند هیچ اختلافی میانشان بروز نکند، تا سرمایه دارانی که در کمین نشسته اند، حسرت تفرقه در میان کارگران، بردلهای کثیفشان بماند. آمده ای از کارمندان، نومیذانه به حرکت های ضد کارگری خود ادامه میدهند.

■ در روزهای اشغال انقلابی کارخانه، کارگران بخوبی دیدند که کارفرمایان در تولید هیچ نقشی ندارند و این فقط دستشان توانای کارگران است که کارخانه را میگردانند.

نهانهای مینویسند و طی آن به اخراج کودرزی و دولتتاشی اعتراض میکنند. از بیست و یک کارمند، چهارده نفرشان ایسین نامه را امضاء میکنند. در شرایطی که مبارزه طبقاتی در کارخانه برجین حاد میشود، کارکنان کارخانه چاره ای ندارند تا مقابل این صف آراتی موضع خود را روشن کنند. کارمندان سی دهمواره چیره خوار کارفرما هستند. در چنین مواقعی به صف کارفرما میسویزند و وحشت خود را از حاکمیت کارگران نشان میدهند. بعضی از کارگران نا آگاه نیز ممکن است در این صف بندی - در عمل - صف کارفرما را تقویت کنند. در کارخانه البرز، چند نفری ز کارگران نا آگاه با غرولندهای خود، در عمل به سرمایه داران دمت کردند. آنها که ابتدا، اعتصاب حسابداران را بهانه کرده و فوق میخواستند، پس از اینکه به همت کارگران صندوق اعتصاب رست شد، به بهانه های دیگری رو آوردند و غرولندشان را ادامه دادند. کارگران که بخوبی میدانستند هیچ چیز جز وحدت آنها، از فرما را به وحشت نمی اندازد، با هوشیاری کم نظیری مواظب بن واکنش ها بودند و با پختگی بسیار، این اقدامات را خنثی میکردند.

علاوه بر اینها سورا هم برای افشاکری توطئه ها، فعالیت دیدی میکرد. اعضای شورا هر روز جلسه سخنرانی میگذاردند و از گران را در جریان تمام وقایع قرار میدادند. کارگران سنگ نه چشم خود میبینند که در تولید، سرمایه داران و نه کارکنان آنها کسبی هستند که تنها میخواهند سرنج کارگران

را بین خود تقسیم کنند. آنها بخوبی میبینند که کارفرمایان در تولید هیچ نقشی ندارند و این فقط دستان توانای کارگران است که کارخانه را میگردانند.

نمایندگان شورا، با کارمندان اعتصابی، با دفتر مرکزی کارخانه و با وزارت صنایع و معادن وارد مذاکره میشوند. کارمندان دست از اعتصاب میکشند و اعلام میکنند که با شنیدن حرف های کارگران قانع شده اند. معلوم است که وقتی توطئه عده ای از کارمندان، با درست شدن صندوق اعتصاب نقش بر آب میشود، آنان دست از مقاومت برمیدارند!

اما خبیری و دارودستاش هر روز مذاکره را کس میدهند و بهانه میکشند. مسئولین وزارتخانه هم با شنیدن حرف های اعضای شورا، در بست حق را به هیئت مدیره میدهند و کارگران را بدلیل اینکه در مقابل جمهوری اسلامی ایستاده اند، "ضد انقلاب" خطاب میکنند. آری، کوره مبارزه طبقاتی، کارگران را آبدیده میکند. همان کارگرانی که با انقلابیان اینان را به وزارت رسانیده اند، اینک از نظر آنها "ضد انقلاب" شده اند. آقایان "انقلابی" بخود اجازه میدهند تا آنان را سرکوب کنند. اتهام نسبت به حکومت، همچون بهمنی که در مقابل آفتاب سوزان مبارزات قهرمانان، کارگران قرار گرفته است، فسق و میریزد و پایه های کاخ سرمایه را میلرزاند.

روز اول تیر، خبیری از دفتر مرکزی تلفن میکند و میگوید تمام یازده نفر اعضای شورا برای مذاکره با او به دفتر مرکزی می آیند. کارگران که دستگیری نمایندگان کارگران کارخانه ساکا، به آنان درس جدیدی از توطئه های حکومت را آموخته است، با اینکار مخالفت میکنند و از رفتن نمایندگان خود به دفتر مرکزی جلوگیری میکنند. در همین روزهاست که حیدری - جاسوس کارفرما - که عضو شورا است وقتی در مقابل اشاد کارگران خود و اربابانش را عاجز می بیند، استعفا میکند و میخواهد به این وسیله میان کارگران تفرقه بیندازد. او وقتی میخواهد برای بخشی از کارگران سخنرانی کند و ادعا میکند که خیال دارد موکلینش را به دلایل استعفای خود آگاه کند، با اعتراض کارگران روبرو میشود. کارگران به او میگویند: "نامردی که در این لحظه بحرانی استعفا کرده است، دیگر موکلینی ندارد که برایشان حرف بزند!"

خبیری و دولتتاشی، وقتی از آمدن اعضای شورا به دفتر مرکزی نا امید میشوند خودشان به کارخانه می آیند. امواج کینه و نفرت کارگران نسبت به این مزدوران آنچنان شدید است که بکلی نا امید میشوند.

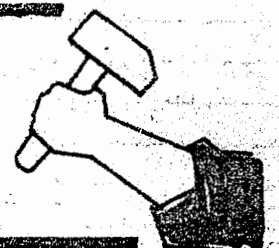
شورا به آنها اجازه ورود میدهد. آنها خیال دارند توطئه جدیدی سوار کنند. سرمایه داران که در مقابل قدرت کارگران عاجز و زبون شده اند، سرانجام تصمیم گرفته اند که به بخشی از خواسته های کارگران جواب دهند، تا از این طریق بار دیگر حاکم

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

کمیت خود را مستحکم گردانند. خبری اعلام میکنند که خواستند کارگران را پذیرفته است و کورزی را اخراج کرده اند. موجهی از شادی و رضایت میان کارگران ایجاد میشود. آنها قدرت اتحاد خود و بیجا رکنی سرمایه را چشم میکنند. اما اعضای دفتر مرکزی، این خبر را آورده اند تا مقدمای برای توطئه‌های بعدی کارفرما باشد.

مدیران حاضر به مذاکره با شورا نمیشوند و میگویند می‌خواهیم بنا خود کارگران صحبت کنیم! کارگران قائلینا می‌نمایند. می‌دهند، اگر این دو نفر یا نشان به بخش آنها برسد، بیا های آنها را قلم خواهند کرد! کارگران بخش های دیگر هم به آنها محصل نمی‌گذارند. یکی از آنها پشت بلندگورفته و از کارگران تقاضا میکنند که در حیات جمع شوند، هیچ کس به حیات نمی آید! مدیر مزدور که خود را در مقابل گوه استوار و با عظمتی از قدرت کارگران آن متیابد، چاره ای نمی بیند که حرف هایش را از همان پشت بلندگو، برای کارگران بگوید. دیری نمیگذرد که با وحشت توجه میشود که کارگران مشغول سوت زدن هستند و هیچ کس به حرفش گوش نمیدهد! اما وقاحت مزدوران سرمایه با نسی ندارد، او به حرف هایش ادا می‌دهد که ناگهان با هوک کردن کارگران روبرو میشود! کارگران برق هم بیکار ننشسته و بلند گوها را قطع میکنند!

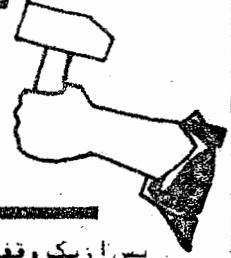
مدیر مزدور، اینبار در میان خنده های تمسخر آمیز کارگران سزیر می آید و در گوشه ای پنهان میشود! اعضای شورای کارخانه برای نشان دادن قدرت خود ادا می‌دهد که کار در آن روز را تعطیل اعلام میکنند، و کارگران بیکار رجه و متعد دست از کار میکنند.



### باز هم ضربه ای دیگر بر پیکر توهم!

درباره اینکه شورا چه میزان اختیارات باید داشته باشد، اختلاف مهمی میان کارگران و هیئت مدیره وجود دارد. شورا ضمن اینکه مایل است هیئت مدیره به سرکارها برگردند، اما برای کارگران حق نظارت بر کارخانه میخواهد. این موضوعی است که حکومت بهیچ وجه زیر بار آن نمیرود. بخصوص که بنی مدره هم با صراحت و وقاحت اعلام کرده است که "شورا، پورا مالیده!" کارگران چشم امیدشان به امام است آنها فکر میکنند که امام از آنها حمایت خواهد کرد. روز چهارم تیر، کارگران خبر میشوند که کانون شورا های اسلامی میخواهد پیش امام برود و نظرا و را درباره شورا بپرسد. کارگران دونفر از اعضای شورا را با ضبط صوت روانه میکنند تا آنها هم در این جلسه حضور پیدا کنند. امام در جلسه آنروز، با وجود اینکه میدانت کارگران برای چه آمده اند، حتی یک کلمه هم درباره شورا صحبت نکرد. او آنروز تنها ما به مجاهدین و کمونیست ها حمله کرد. نمایندگان شورا سرفکننده به کارخانه بازگشتند. خبر مثل نمب در کارخانه میپیچد. کارگر-

ان شدیداً عصبانی شده بودند. آری کارگران در همه این مبارزه پیش از آنکه به پیروزی دست پیدا کنند، درس های بزرگی برای آینده طبقه کارگری آموزند. فردای آنروز، دولت شاهی و اعضای دفتر مرکزی به کارخانه می آیند و اعلام میکنند که حقوق کارگران را پرداخت خواهند کرد. آنها که از اتحاد کارگران عاجز شده اند چاره ای ندارند جز آنکه امتیازاتی بدهند، تا دوباره انگیزان پیدا کنند که توطئه های کثیف خود را آغاز نمایند. به این ترتیب هیئت مدیره دوباره به کارخانه راه پیدا میکنند و در جلسه ای که با اعضای شورا ترتیب میدهند، قرار میشود شورا در یک فرصت ده روزه اساسنامه ای برای تعیین حقوق و وظایف شورا تهیه کند و دولت شاهی نیز به اسم مدیر کارخانه، فعالیتش را آغاز کند.



### عقب نشینی برای هجوم!

پس از یک وقفه کوتاه حاصل از پیروزی، مجدداً شورا و هیئت مدیره بر سر دستمزد درگیر میشوند و ادا می‌دهند. این درگیری مجدداً به بحث درباره حدود اختیارات و وظایف شورا اکتفا نشده میشود. شورا بکمک کارگران آگاه و مبارز، اساسنامه ای تدوین میکنند که حدود اختیاراتش در آن ترسیم شده است. این اساسنامه با مخالفت مدیریت روبرو میشود. شورا مجبور به استعفا میشود و این خبر را به کارگران اطلاع میدهد. کارگران مجدداً پشت سر شورای خود سیخ میشوند. فردای آنروز (۲۷ تیر) فضای

توهم نسبت به حکومت، همچون بهمنی که در مقابل آفتاب سوزان مبارزات قهرمانانه کارگران قرار گرفته است، فرو میریزد و پایه های کاخ سرمایه را میلرزاند!

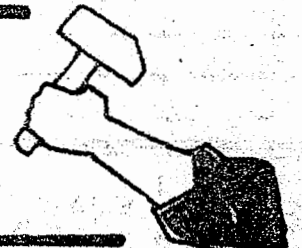
کارخانه از عداوت رعد آسا و متحد کارگران لبریز میشود. آنها فریاد میکشند: "شورا، شورا، حمایت میکنند" کارگران با قاطعیت به هیئت مدیره پیغام میدهند که با خواسته های کارگران را برآورده کن و با گورت را کم کن! کارگران همچنین دولت شاهی را که میخواست سخنرانی کند، از پشت بلندگو با نسی میکشند و در حالیکه شعار میدهند: "در سنگر شوراها، نبرد با کارفرما" در محوطه کارخانه راهپیمایی میکنند. کارفرما مجدداً عقب می نشیند و مذاکره را با شورا آغاز میکند.

اما هیئت مدیره اینبار به حيله جدیدی متوسل میشود مذاکره را به موضوع اضافه دستمزد میکشاند و در این زمینه طرح هایی پیشنهاد میکند. آری، این حيله گران از هیچ ردالتی برای منحرف کردن مبارزات کارگران فروگذار نمیکنند. آنها میخواهند با اینکار میان کارگران تفرقه بیندازند. اما شورا



هوشیارانه این طرح‌ها را رد می‌کند.

در اینجا باید به این نکته اشاره کنیم که با توجه به انرژی انقلابی کارگران، شور و هیبت بودخواسته‌های کارگران را تنظیم می‌کرد و بدون شرکت در این گونه مذاکرات انحرافی - کسبه فریبکاری هیئت مدیره در آن آشکارا چشم می‌خورد. برای جواب گرفتن فرصت تعیین می‌کرد. در حقیقت مذاکره با این دلالان، در خیلی از موارد، به فریب خوردن نمایندگان ساده دلی می‌انجامد که عمدتاً درک درستی از ماهیت سرمایه داران ندارند و در پیچ و خم این مذاکرات طولانی و فریب دهنده، سردرگم می‌شوند. در این جور مواقع، کارگران کمونیست، که درک درستی از ماهیت سرمایه داران دارند، کمتر فریب این حيله گری‌ها را می‌خورند. در کارخانه البرز، پیچ و خم این مذاکرات فریبکاری را نه، نشانه‌هایی از تزلزل را در نمایندگان شور و وجود آورد. روز ۲۹ تیر، زمانیکه اعضای شور با هیئت مدیره مشغول مذاکره هستند، یکی از اعضای هیئت مدیره حکم اخراج ۵ نفر از کارگران فعال و مبارز را که همیشه از حقوق و منافع کارگران دفاع کرده‌اند، بدستشان می‌دهد. خبر در کارخانه پخش می‌شود. کارگران از این تصمیم هیئت مدیره شدیداً خشمگین می‌شوند. آنها بخوبی درک می‌کنند که اخراج این عناصر فعال و مبارز، مقدمه نقشه خائنه‌ای است که می‌خواهد کارگران آگاه و مبارز را از یقیه جدا کرده و سپس تمام کارگران را سرکوب کند. شور و فرمان توقف تولید را می‌دهد. تمام چرخ‌های عظیم کارخانه بناگهان - به اراده کارگران - از کار می‌افتد. هیئت مدیره در مقابل این اتحاد دیو دین به وحشت می‌افتد و توطئه‌هایش نقش بر آب می‌شود. وزبون و بیچاره از قدرت کارگران به تکاپوی یافتن راه حل دیگری می‌افتد.



### پاسداران سرمایه به میدان می‌آیند!

تمام حربه‌های هیئت مدیره بر علیه کارگران، از کسار افتاده است. کارگران آگاه و هشیار کارخانه البرز با آگاهی هر چه تمام تر، تمام توطئه‌های کارفرما را، از فریب و نیرنگ گرفته، تا تهدید و ارباب و اعمال فشار و ایجاد تفرقه، برای درهم شکستن صف متحد کارگران، برعلا و رسوا می‌سازند. برای کارفرما فقط آخرین حربه باقی است. سرکوب آشکار! صبح روزی و یکم تیر، کارگران وقتی وارد کارخانه می‌شوند، یک جیب حامل پاسداران را در محوطه می‌بینند. نگهبان کارخانه همچنان از ورود کارگران اخراجی جلوگیری می‌کند. کارگران که از حضور پاسداران در کارخانه تعجب کرده‌اند، بزودی وقتی از رفتن اخراجی خود حمایت می‌کنند و می‌خواهند آنها را از در کارخانه کنند، متوجه نقش این پاسداران می‌شوند. آری، پاسداران انقلاب (!) هم، در حقیقت همان پاسداران سرمایه هستند. مبارزه میان پاسداران و کارگران آغاز می‌شود.

برای خیلی از کارگران، تازه معنای واقعی اخباری که از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود، آشکار شده است! معنای واقعی انقلاب و ضد انقلاب حالا روشن می‌شود! کارگران هر روز درس تازه‌ای فرا می‌گیرند! درگیری ادا می‌شود. می‌باید و پاسداران کارگران اخراجی را دستگیر کرده و با خود می‌برند. حالا دیگر اعضای شور با دست و دست تقسیم شده‌اند. شور یک‌گانه به عقب بر می‌گردد و کارفرما بلافاصله یک کامپلومنت می‌گذارد. در حالی که کارگران قالب ساری، تصمیم به اعتصاب می‌گیرند. در حالی که در بخش مونتاز تمام کارگران امضاء جمع می‌کنند و در حالی که تعدادی از کارگران برای آزادی رفقای زندانی خود تقاضای راهپیمایی بسوی کمیته را می‌کنند، اعضای شور فقط به این اکتفا می‌کنند که بدنبال کارگران دستگیر شده به کمیته بروند!

■ در مذاکره با کارفرما، کارگران کمونیست که درک درستی از ماهیت سرمایه داران دارند، کمتر فریب حيله گری‌های کارفرما را می‌خورند.

فردای آرزو و نفر از کارگران دستگیر آزاد می‌شوند و به کارخانه باز می‌گردند. اما وقتی هیئت مدیره یکبار دیگر تلفن می‌کند، پاسداران دوباره باز می‌گردند و هر دو نفر را دستگیر کرده و بسا خود می‌برند. هیئت مدیره کام جدیدی به جلو بر می‌دارد. یکی از اعضای شور را اخراج می‌کند. کارگران اینبار خشمگین از خود سری کارفرما، با دولت‌تانی کلایز می‌شوند و کتک مفعلی به او می‌زنند. اما بازم پاسداران به کمک سرمایه داران می‌آیند. کلوله‌های آمریکا بی فضای کارخانه راه دود باروت آغشته می‌کند. پاسداران کارگران را بزور اسلحه ساکت می‌کنند و بعد برای شان سخنرانی راه می‌اندازند! آنها با نفرت بی اندازه‌ای به کمونیست‌ها بدوی بر راه می‌گویند و با زور سر نیزه می‌خواهند (!) کارگران را "قانع" کنند که این پنج کارگر مبارز و کمونیست با بد اخراج شوند. در اینجا شور عقب می‌نشیند و سرمایه داران جلوتر می‌آیند.

فردای آرزو، کارفرما کارخانه را می‌بندد و سربسرها بدنبال کارگران نمی‌روند. شور و عمل از هم می‌پاشد و کارگران آن میدانند چه باید بکنند. پاسداران مسلح پنج تن دیگر از کارگران را که به نفرشان عضو شور هستند دستگیر می‌کنند.

هم اکنون پنج نفر از کارگران در اسارت بسر می‌برند. جرم آنها مبارزه با سرمایه داری و دفاع از منافع کارگران است. اما رژیم و مزدوران آنها به این کارگران مبارز و انقلابی "اخلالگر" می‌گویند. اخلالگر و ضد انقلاب! با اینحال، کارگران کارخانه البرز، و نیز تمام طبقه کارگر قهرمان ایران دشمن قسم خورده، سرمایه داری هستند. اگر هنوز حکومت جمهوری اسلامی به همه کارگران "اخلالگر" و "ضد انقلاب" نگفته، اگر هنوز



میتواند صورت بگیرد .

۳ - نقش انگل صفتی کارفرما : در طی مدتی که کارگران البرز تولید را بدست توانای خود گرفتند نشان دادند که سرمایه داران و کارفرمایان جز چپاول و غارت دسترنج کارگران ، هیچ نقشی در تولید ندارند ، نشان دادند که کارگران با اتحاد و مبارزه خود خواهند توانست اداره تولید را بدست گیرند و کارفرمایان انگل صفت و چپاول گران از محیط کارخانه بیرون بیاورند .

۴ - بدون بدست گرفتن قدرت سیاسی کارگران نمیتوانند قدرت اقتصادی سرمایه داران را از زمین ببرند : وقتی کارگران البرز خود را اداره تولید را بدست گرفتند ، در مقابل دولت ونیرو - های سرکوبگران قرار گرفتند و دولت به حمایت از کارفرمایان سرکوب کارگران پرداخت . این تجربه به ما می آموزد که بدون بدست گرفتن قدرت سیاسی و حکومتی و حکومتی کارگران نمیتوانند قدرت و سلطه اقتصادی سرمایه داران را نابود کنند . ممکن است کارگران یک کارخانه و چند کارخانه بتوانند برای مدت یک هفته و یک ماه شرکا را فرسار از سر خود کوتاه کنند ولی دشمن اصلی یعنی حکومت به عنوان نیروی متشکل طبقه سرمایه دار بر سر کارگران و جامعه حاکم است و دیر یا زود این نیروی متشکل سرمایه داران ، کارگران را عقب خواهد زد . پس سرنگونی سلطه سیاسی طبقه سرمایه دار یعنی حکومت ، و بدست گرفتن قدرت سیاسی شرط اولیه برای رها شدن کارگران از شر نظام فاسد و ظالمانه سرمایه داری است .

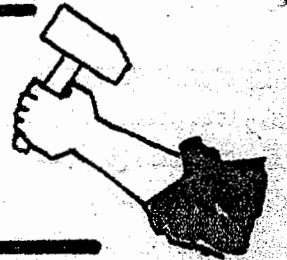
۵ - ضرورت تشکیلات برای هدایت مبارزات : بدون تشکیلات هیچ مبارزه ای به پیروزی و نتیجه نخواهد رسید . شورای کارخانه البرز تا وقتی که فعالان در جلو کارگران و به کمک کارگران مبارز و کمونیست ، مبارزه را رهبری و هدایت میکرد ، کارها خوب پیش رفتند ، درست در آنجایی که شورا عقب می نشیند و مبارزه کارگران ، بدون تشکیلات رهبری کننده و انقلابی می ماند

اگر هنوز حکومت جمهوری اسلامی به همه کارگران "اخلالگر" و "ضد انقلاب" نگفته ، فقط برای آنست که تجربه مبارزاتی کارگران کارخانه البرز را از سرنگذرانیده اند!

کارگران را برانگیزند و کارفرمایان را به کمک باسداران براحتسای به سرکوب کارگران می پردازد . بعد از وجود آمدن تزلزل در شو را وعدم توانایی آن در هدایت مبارزه ، کارگران می بایست بیلا فاصله یک کمیته موقت از کارگران مبارز و انقلابی تشکیل میدادند و این کمیته را در مبارزه و هدایت آنرا در دست میگرفت .

۶ - صحت وفاداری کارگران انقلابی و کمونیست در راه مبارزات و آرمان کسارگری : در مبارزات پرشکوه کارگران البرز کارگران انقلابی و کمونیست نقش برجسته ای داشتند . آنها نشان دادند در مبارزه علیه نظام سرمایه داری پی گیری

در بعضی از کارخانه ها به فریب دادنشان مشغول است و اگر هنوز باسداران مسلح به سراغشان نیامده اند ، فقط برای آنست که تجربه مبارزاتی کارگران کارخانه البرز را از سرنگذرانیده اند . طبقه کارگرایان ، به جنگ سرمایه داری می رود . هر روز بخش عظیم تری از آنان به مبارزه کشیده میشوند و سرانجام روزی خواهد رسید که هر کارگری به یک کارگر مبارز و آگاه و از نظر رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی ، به یک "اخلالگر" تبدیل خواهد شد ! اینک کارخانه البرز آستان مبارزه نوینی است . سخنرانی خبیری با هیاهوی کارگران به هم میخورد و دفتر هیئت مدیره مورد هجوم بخشی از کارگران قرار میگیرد . کارگران دهر گوشه با هم جلسه تشکیل میدهند و نجوا میکنند . . . . . بزودی جو مبارزهای پراکنده ای که هم اکنون در جلسات ، در پشت دستگاہ و در اطراف اتاق خبیری ، بصورت اعتراضات پراکنده خود را نشان میدهند ، بیکدیگر خواهند پیوست !



از مبارزه درس بگیریم!

۱ - تجربه عملی ، آموزگار بزرگ کارگران : جوده ها در تجربه عملی و برخورد عینی و روزمره با واقعیات جامعه شناخت حسی و تجربی پیدا میکنند . کارگران مبارز البرز در طی زندگی و مبارزه خود درگیر شدن با واقعیت جامعه مثل گرانی ، بی حقوقی ، استیضار شدن ، ضد کارگر بودن هیئت مدیره ، حمایت دولت از کارفرمایان و نقش سرکوبگرانه باسداران ، به شناخت های جدیدی رسیدند . ولی تنها تجربه عملی کافی نیست تجربه عملی خود توده ها اگر چه بسیاری از واقعیات را برای کارگران روشن میکند ولی چونکی تغییر انقلابی و واقعیات جامعه ، درک همه جانبه و عمیق این واقعیات و پدیده ها و رابطه آنها با یکدیگر را روشن نمی سازد . اینجاست که نقش عنصر آگاهی و راهما بودن علم رهایی کارگران یعنی مارکسیسم - لنینیسم مشخص میگردد . طبقه کارگر برای تغییر انقلابی جامعه ، برای درک همه جانبه از پدیده ها و ارکانها و رابطه بین آنها ، برای پیشبرد موفقیت آمیز مبارزات خود ، برای درهم کوبیدن نظام فاسد سرمایه داری و ایستاده آگاهی طبقاتی ، به علم رهایی کارگران و زحمتکشان یعنی مارکسیسم - لنینیسم نیاز دارد . تا در صورت درخشان این علم مبارزه راه درست را تشخیص دهد و به سمت پیروزی نهایی گام بردارد .

۲ - اتکاء به قدرت کارگران : کارگران البرز زابتسدا چشم به دولت دوخته بودند تا شاید کاری برایشان انجام دهد . بعد از ناامیدی از دولت چشم امید به آیت الله خمینی دوختند ، ولی باز شمره ای ندیدند . این بود که آستین ها را بالا زدند و خود برای بهبود وضعشان اقدام کردند ، با ردیگر این اصل مسلم ثابت گردید که رهایی کارگران فقط و فقط بدست خود طبقه کارگر



# اخبار کردستان

بقیه از صفحه ۱۶

دیدگاه‌های مردم و دکانها، ذخیره روستاکیان را غارت میکنند و به بیانه اینک پیشرکان از آن استفاده نکنند آنرا بشهر آورده و در فرس و سکا‌های خود بفروش میرسانند.

۵۹/۵/۲ - در این روز سه فرزند اهلی کوپترهای جمهوری اسلامی، روستای تکان تیره را زیر آتش گرفتند که در نتیجه آن یک نوجوان ۱۲ ساله هدف

قرار گرفت و در بیمارستان به شهادت رسید. ۵۹/۴/۳۰ - پیشرکان کومه له (دسته شهید حسین) در نزدیکی روستای زنوری منطقه کوماسی که در کمین جاشها و پاسداران نشسته بودند، آنها را بیدام انداختند و زیر آتش سلاحها سبک خود گرفتند. در این جریان ۶ جاش و پاسدار کشته و ۲ تن زخمی گردیدند و یک ماشین مواد تدارکاتی آنها

بدست پیشرکان افتاد. به پیشرکان هیچگونه آسیبی وارد نشد و مدوهیگی سالم به پایگاه خود مراجعت نمودند. ۵۹/۵/۲ - در این روز یک دسته از پیشرکان کومه له دسته شهید خروف، در ساعت ۶ بعد از ظهر با سلاحهای شیک پا یکا هارتنش و پاسداران را در نزدیکی دریاچه زربیار مورد حمله قرار دادند. و ضربه سختی به آن وارد کردند. از میزبان تلفات اطلاعی در دست نداریم. افراد مستقر در پایگاه تا ۲۴ ساعت بعد از این حمله وحشت زده و بدون هدف مناطق اطراف خود را زیر آتش سلاحهای سنگین گرفته بودند. در این جریان به پیشرکان آسیبی نرسید.

## مقاومت دلاوران پیشرکان

### "کومه له در گردنه گاران"

۵۹/۵/۸ - در این روز سوسی مرکب از چند تانک و غیره و حدود ۵۰ کاسیون ارتشی و پاسدار و جاش از سمت سمت میروان بحرکت درآمد. این ستون بوسیله سه فروند هلی کوپتر حمایت میشود. پیشرکان کومه له دسته شهید حسین در گردنه "گاران" با سلاح سنگ و آرمی جی در کمین نشستند و به محض رسیدن آنرا زیر آتش گرفتند و ضربات سختی به آن وارد کردند. ستون مجبور به عقب نشینی گردید و شب را در بیابان راه متوقف شد.

روز بعد ۵۹/۵/۹ ستون دوباره بطرف میروان حرکت نمود و این بار نیز در "گاران" و در دو نقطه بکمین پیشرکان کومه له افتاد. درگیری از ساعت ۹ صبح آغاز گردید و تا ساعت یک بعد

خستگی ناپذیرند. آنها نشان دادند در پی گیری و مبارزه در راه خواسته‌های کارگران همواره وفا دار و مقاوم، در صف مقدم، مبارزه خواهند کرد و هیچ نیرویی نمیتواند در راه راده بولادین آنها در رسیدن به آرمانهای کارگری خللی وارد سازد.

۷ - پیروزی و شکست یک مبارزه کارگری از نتایج فوری بدست آمده تعیین نمیکرد: ما نباید پیروزی و شکست مبارزات کارگران یک کارخانه را از روی نتایج فوری و بلافاصله حاصل از آن مبارزه برآورد کنیم. آنچه که برای طبقه کارگر مهم است، آنست که این مبارزه چه تجربیاتی برای کل طبقه کارگر ببرد از معانی می آورد؟ کارگران چه آموزشی از آن میکهربد و این تجربه و آموزش چه منفی در آید و چه پیسر در مبارزات طبقه کارگر بدارد؟ همین دلیل به نظر ما تجربه مبارزات کارگران فهرا مان کارخانه البرزیک تجربه پیروز مند و درس آموز برای کل طبقه کارگر است. چرا که تجربه کل طبقه کارگر ایران را غنی و روشنی میکند.

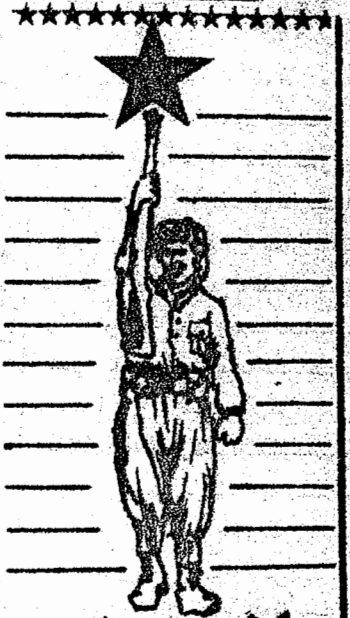
در نظام سرمایه داری، کارگران در مبارزات خود بر علیه سرمایه داران و دولت حامی آنها، به شکستها و پیروزیهای بسیاری دست می یابند و حتی شکستها بیشتر است. ولی در کوره همیسن مبارزات و از میان همین شکستها و پیروزیهاست که طبقه کارگر آندیدد میشود، متحد و متشکل میگردد و برای رهایی خود، برای درهم گوبیدن نظام سرمایه داری آماده میگردد.

مبارزات کارگران مبارزات البرز را در کار مرما و دولت حامی آن تعدادی از کارگران مبارز و انقلابی را دستگیر و اخراج نموده اند. این سیاست کلی، و همیتنکی کارفرمایان و دولت است. آنها میخواهند با اخراج کارگران پیسر و کوموسب نعله مبارزات کارگران را خاموش نموده تا دستشان برای سرکوب کارگران باز باشد. کارگران دلاور البرز با متحدان و پاسمام قوا برای آزاد کردن کارگران دستگیر شده و بازگرداندن کارگران اخراجی، این همزمان انقلابی خود مبارزه همجانندای را در پیش بگیرند.

از ظهر ادامه داشت. و در نتیجه سختی که در این ساعات روی داد تلفات سنگینی بستون وارد آمد. ستون بکلی متوقف گردید و چهار کاسیون خاسیل مهمات و بغرات در همان ساعات اول به آتش کشیده شدند و بکلی سوختند، سه کاسیون بدره سقوط کرد و تمام بر نشینان آن کشته شدند. و در ساعات آخر درگیری پنج کاسیون دیگر خاسیل مهمات منهدم گردیدند و شرنشیتان آنها نیز کشته و یا زخمی شدند. در این جریان جمعا ۱۲ کاسیون دیگر خاسیل مهمات منهدم گردیدند و نزدیک به ۹۰ نفر ارتشی و پاسدار و جاش کشته و زخمی شدند. پیشرکان در زیر آتش شدید هلی کوپترها با شجاعت کم نظیری عقب نشینی کرده و به پایگاه خود مراجعت نمودند.

حوالی ظهر همان روز ستون دیگری از میروان بسوا نجات اس ستون بسوا "گاران" حرکت نمود اما قبیل از رسیدن به محل، به کمین یک دسته دیگر پیشرکان کومه له دسته شهید امین افتاد و کاسیون طی آن بیش از ۱۰ ارتشی و پاسدار و جاش کشته و یا زخمی گردیدند. هلی کوپترهای جمهوری اسلامی از این ستون نیز حمایت میکردند. و در جریان تیراندازیهای آنسان یکی از پیشرکان فهرا مان کومه له بنام "نبی تادی" مشهور به "نبی لاویسانسی" که کارگری رزمنده و پیسر و بود شهادت رسید. یادش گرامی امی باد. در این جریان یکی دیگر از پیشرکان ما زخمی سطحی برداشت. بخشی از دستون تا این تاریخ در گردنه "گاران" باقی مانده و بقیه به پادگان میروان رستیده است.

سفل از حسرتا مه کومه له



# اخبار کردستان قهرمان

\*\*\*\*\*  
 ● ۵۹/۴/۳۰ - ساعت ۵  
 بعد از ظهر این روز یک ستون  
 ارتشی و پاسداران از روستای  
 "بوئین سفلی" در نزدیکی  
 بانه گردیدند. روستا را اشغال  
 کرده و خانه‌های مردم را  
 با زرمی نمودند و سپس آنها را  
 بوسجده جمع کردند. فرمانده  
 پاسداران خطاب به مردم  
 فریاد زد:

"...می بینید همه جا  
 در تصرف ماست و پیشمرگان  
 دیگر پشه‌ای بیشتر نیستند که  
 بزودی آنها را نابود خواهیم  
 کرد..."

یک ساعت بعد ستون  
 روستا را ترک نموده و راهی  
 بانه گردید. اما در راهی  
 مریوان، بانه، بوئین  
 بکمین پیشمرگان دموکرات  
 و کومه‌له افتاد و نبرد سختی  
 درگیر شد که تا ساعت ۱۱ شب

مبارزه خلق دلاور کرد  
 ادامه دارد، پیشمرگان قهرمان  
 کمونیست و انقلابی در شهرها  
 و روستاها و کوره راهها در مقا  
 بل تهاجم ارتش و پاسداران  
 به مقابله و مقاومت دست  
 میزنند. آنها شبها به میان  
 مردم شهرهای اشغالی رفته  
 و برای آنان سخنرانی میکنند

فرزندان خلق دلاور کرد و ویرا  
 بی وبی خانمانی دهها هزار  
 نفر از زحمتکشان تمام شد  
 همچنان به عملیات جنایت  
 کارانه خود ادامه میدهند،  
 شهرها را بمباران میکنند،  
 در روستاها به بهانه خلع سلاح  
 به کشتار و سرکوب زحمتکشان  
 میپردازند و انقلابیون اسیر

محتوم خود را نزدیک ترمینا  
 زد.  
 این اقدامهای ضدانقلاب  
 بی و وحشیانه تنها نخواهد  
 توانست اراده پولادین  
 خلق دلاور کرد را درهم شکنند،  
 و در عزم و اراده انقلابیون  
 و کمونیستها در سراسر ایران  
 خلل وارد آورد، بلکه عزم

## اعدام انقلابی در سنج:

# قلاش ارتجاع برای سرکوب مقاومت خلق کرد!

برای مسافران در جاده‌ها  
 اهداف مبارزات خلق کرد و  
 خواستهای آنان را توضیح  
 داده و ما هیت جنایات رژیم  
 جمهوری اسلامی را افشا  
 میکنند. مردم مبارز کردستان  
 همراه با پیشمرگان قهرمان  
 خود به مقاومت و مبارزه در مقا  
 بل یورش های ارتش و پاسدا  
 ران دست میزنند، با تهیه آذ  
 وقه برای پیشمرگان، بسا  
 مخفی کردن آنان، بارها هم  
 بی در شهرها، با شرکت فعال  
 در میتینگهای سازمانهای  
 سیاسی از حقوق خود دفاع  
 و از سازمانهای سیاسی خود  
 پشتیبانی میکنند.

و زندانی را به جوخه اعدام  
 میسپارد.  
 کشتار ۹ تن از انقلابیون  
 سنج از آخرین اقدامها و  
 جنایات وحشیانه رژیم در کر  
 دستان میباشد این انقلابی  
 که در اسارت رژیم بودند در بید  
 انگاهای دربسته، بدون رع  
 یت ابتدایی ترین حقوق  
 انسانی، محاکمه و به اعدام  
 محکوم شدند. رژیم جمهوری  
 اسلامی بارها برای اعدام  
 این دلاوران خلق کرد و سایر  
 انقلابیون، به خود زحمت تشکیل  
 دادگاه نیز نداده است. و بطور  
 مخفیانه آنها را تیرباران  
 کرده است.

و اراده کارگران و زحمتکشان  
 و انقلابیون و کمونیستها را در  
 سراسر ایران برای نابودی  
 سیستم سرمایه داری وابسته  
 به امپریالیسم، برای درهم  
 کوبیدن ارتجاع، مدحچندان  
 خواهند نمود، و کینه طبقاتی  
 آنها را نسبت به جلادان بهتر  
 بین فرزندان این سرزمین  
 شعله و ترغوا هدگردانند!  
 در رابطه با این اقدامها  
 ضد انقلابی  
 سازمان انقلابی زحمتکشان  
 کردستان ایران (کومه‌له)  
 اعلام نموده است که در مقابل  
 اقدامهای وحشیانه رژیم بی  
 تفاوت نخواهد اما تدوین  
 تعهدات خود در مقابل زحمتکشان  
 و خلقهای ایران در این زمینه  
 عمل می نماید!

باشد ادامه داشت.  
 در این جریان ستون پراکنده  
 و تاروما رشد و حداقل ۲۰ پاسدار  
 و ارتشی کشته شدند و عده زیادی  
 زخمی گردیدند، فرمانده  
 پاسداران بانه که شخصی است  
 بنام پیچک جزو زخمی شدگان  
 است.  
 در این جریان چهار

پیشمرگه حزب دموکرات بنا  
 مه‌ای محمد امین معروفی،  
 حسین بوئینی، جلال و مجید  
 و یک پیشمرگه دیگر بنام کاک  
 صدیق بشهادت رسیدند بانه  
 را با ادامه مقاومت پیگیر و  
 سرخستانه در مقابل سرکوبگران  
 دشمنان خلقها و زحمتکشان  
 ایران گرامی میداریم، همچنین

یکی از پیشمرگان کومه‌له  
 در این جریان زخمی گردید.  
 بعد از پایان درگیری فانتوم  
 مها منطقه را بر اکت بستند که  
 در جریان آن یک خرمن آتش  
 گرفت و چندین راس گاو و گوسفند  
 سفند از بین رفتند.  
 پاسداران بانه در باز  
 بقیه در صفحه ۱۵

# اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان نظام پوسیده سرمایه داری وابسته را درهم خواهد گویید!